



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت‌مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز سه‌شنبه (۹) اسفندماه ۲۵۳۳ شاهنشاهی

- فهرست مطالب :
- ۱ - قرائت اساسی غائبین جلسه قبل .
 - ۲ - دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷ کل کشور .
 - ۳ - اعلام دستور جلسه آینده و ختم جلسه .

جلسه ساعت هشت بعد از ظهر برپاست آقای دکتر جواد سعید (نایب رئیس) تشکیل شد

۱ - قرائت اساسی غائبین جلسه قبل .
 نایب رئیس - اساسی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
 (شرح زیر خوانده شد)

آقایان : بنی‌احمد - بهبهانی - بیات - توده - جاف - جباری - محمد جزایری - دهقان - ساکینیان - سعادت قدس‌نیا - سعیدی - شهبازی - صفری‌پور - طرفی - ابوالحسن عاملی - دکتر عدل - قریشی - ماحوزی - نصیری - نواب صفا - محمدی دشتکی - یاسنی
 بانوان : اما آقایان - اباصلتی - ابتهاج سعیدی - سلیمی - ضرابی - زاهدی .

۲ - دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۷ کل کشور .

نایب رئیس - آقای پارسا مطلق بفرمائید .
 جلال پارسا مطلق - جناب آقای رئیس، همکاران محترم، وزرای گرامی بنده خوشحال میشدم اگر جناب نخست‌وزیر در این جلسه مجلس که بنظر من یکی از مهمترین جلسات است تشریف پیدا کنند من قصد سخن‌رانی نداشتم امسال مسائلی بود، درد دل‌هایی بود، مشکلاتی بود که میل

از روزنامه‌های عصر یک صفحه روزنامه را اختصاص به مطلب بل چهار راه جافظ داده بودند نمیدانم چه قضاوتی بین این دو فکر باید کرد (مظهری - آن بریناژ آگهی بوده است). در هر حال همان‌طور که عرض کردم مطالب خودم را خیلی بطور اختصار عرض می‌کنم.

لحم اکنون که بودجه چهار هزار و یکصد و هفتاد و هشت سیار و هفتصد و نه سیلیون و نهصد و دو هزار ریالی سال ۲۵۳۷ شاهنشاهی در مجلس شورای ملی در دست بررسی است. بطور قطع و مسلم کلیه فصول و مواد آن در کمیسیون‌های مربوطه مورد بررسی و مذاکره قرار گرفته است. و در اینجا وارد جزئیات و فصول آن نمیشوم. آنچه که در اقلام بودجه مورد نظر اینجانب است بیشتر مربوط به کشاورزی و آموزش و پرورش است و یکی دو ماده دیگر که باز هم تا حدی بیشترین رقم‌ها را بخود اختصاص داده‌اند. و در این خصوص نکاتی را لازم به تذکر میدانم که بدون تردید گذشتن و نادیده گرفتن آنها نوعی خطا و اعمال ناری است. بقیه دارم تذکرات نمایندگان مردم می‌تواند سهم بزرگی را در موفقیت دولت جناب آقای دکتر آموزگار که دولت صداقت و صراحت نامیده شده است ایفا نماید.

و من نیز بعنوان یک نفر نماینده اطمینان میدهم آنچه را که میگویم صراحت همراه با صداقت است. کشور عزیز ما که در چند سال اخیر در اثر رهبری‌های دایمانه شاهنشاه آریامهر در مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به پیشرفت‌های شگرفی نایل گردیده است و برای برعتر رسیدن بدروازه‌های طلانی تمدن بزرگ هر نوع مسامحه ناری و سهل انگاری و وقت‌گذرانی را در مسائل مملکتی محکوم میکند. و بنده نیز اولیتر میدانم که بیشترین سخن خود را با مسائل کشاورزی مملکت ارتباط دهم. ما که در یکی از مناطق نسبتاً خشک دنیا قرار گرفته‌ایم از قرن‌ها پیش در سایه پشتکار و فعالیت در امر کشاورزی بدون تکیه بدیکران با کار و کوشش زندگی خود را از طریق زراعت و دامپروری و صنایع دستی که منشاء آن نیز در کشاورزی مستتر است ادامه داده‌ایم. و همین ملت در سایه تلاش و فعالیت خود شالوده شاهنشاهی عظیم ایران را در ۲۵۰۰ سال قبل ریخت که در عصر خود از لحاظ سیاسی و نظامی و اقتصادی در میان همه ملل آزمان منحصر بفرد بود. با در نظر گرفتن اینکه در اعصار مختلف تهاجم اقوام بیگانه لظمت جبران ناپذیری بریکر استقلال و با کمیت ما وارد ساخت اما این ملت هوشیار و سخت‌نوش توانست علیرغم همه

تلاش بیگانگان استقلال و حاکمیت و شاهنشاهی خود را حفظ نموده تا اینکه امروز آنرا بما تحویل دهد.

ما نیز بیاری خدای بزرگ آنرا بهتر و برتر بآیندگان تحویل خواهیم داد. تحولات دهه اخیر که باراد شاهنشاه بزرگ در مملکت پدیدار گشت ریشه همه بی عدالتیها و نابسامانیها را از بیخ و بن خشک کرد و رفورم جدیدی را در بسط عدالت اجتماعی و مشارکت عموم طبقات در مسائل مملکتی جانشین آن ساخت دهقانی که از بوغ اسارت زغائی یافت و صاحب زمین شد و شخصیت جدیدی پیدا کرد احتیاج به راهنمایی و مساعدت فراوان داشت. تا خود بتواند از موهبتی که نصیبش شده است در بالا بردن سطح تولید با دیگر هم وطنان خود همگام باشد. و در سازندگی ایران سهم بیشتری را بعهده داشته باشد. تردیدی نیست که در اثر ازدیاد جمعیت و بالا رفتن سطح درآمد عمومی و بالا رفتن سطح مصرف کم بوده‌اندی در مایحتاج عمومی بخصوص در مواد غذایی بوجود آمده که انتظار آن میرفت با صرف هزینه‌های کلان و تلاشی که برای ازدیاد محصولات کشاورزی و دامی بعمل می‌آید مملکت ما تا حدی بخود کفائی رسیده و بی‌نیاز از خرید محصولات غذایی شود در حالیکه فعلاً همه ساله مقدار معتدایی گندم - مواد لبنی و حبوبات و میوه‌جات و گوشت بایستی از خارج وارد کنیم و با در نظر گرفتن مبالغی که دولت بابت خرید این محصولات میپردازد و بناچار با قیمتی بسیار کمتر از بهاء تمام شده در اختیار مصرف‌کننده میگذارد. لاجرم این وضع ممکن است برای ما عادت شده و بطور کلی دست از فعالیت‌های کشاورزی برداشته و بامید خرید این محصولات روز بروز تولیدات محصولات داخلی مملکت را نقصان بدهیم تا جائیکه برای کشاورزی ما فاجعه‌ای در برداشته باشد. جناب آقای نخست‌وزیر مگر میتوان قبول کرد که همیشه کشورهای خارجی تولیدکننده بما مواد غذایی خواهند فروخت و اگر آنها روزی با ما ارتباط حسنه‌ای نداشتند و از فروش محصولات خود بما خودداری کردند چه سرنوشتی در انتظار ما خواهد بود - آیا همیشه میلیاردها دلار پول نفت داریم که بتوانیم محصولات کشاورزی را بقیمت‌گران بخریم و بقیمت ارزان در اختیار مصرف‌کننده قرار دهیم (رفعتی - نارنگی کیلونی ۷۰ تومان است) عدم موفقیت در امر کشاورزی را بایستی در یک سلسله عوامل اجتماعی و سنتی جستجو کرد که خیلی بیشتر و سریعتر مایست با آنها توجه میشود و وسائل فراهم میگردند که امروز بسیاری از اراضی مملکت لم یزرع و غیر قابل استفاده

نمی‌گردید دهقان ایرانی که با کار طاقت فرسا در گرمای تابستان و سرمای زمستان با حفر قنوات و استفاده از آب رودخانه‌ها و چشمه‌سارها سالها خوراک خود و مردم شهرنشین را با وسایل ابتدائی زراعت تأمین میکرد و با مختصر درآمندی که عایدش می‌شد خود را قانع میساخت و در نتیجه کشاورزی بصورت سنتی همیشه برقرار و با بر جای ماندن تحولات اخیر مملکت و بالا رفتن سطح درآمد سرانه و میلیاردها ریالی که به تدریج سیاست رهبر بزرگ و دوراندیش ملت ایران نصیب مردم گردید - عاملی بود که دهقان ایرانی را متوجه آن سازد که با وسائلی قدیمی و کهنه نمیتوان بکار کشاورزی اشتغال داشت. و از طرفی شروع کارهای عمرانی در سطوح مختلف و در نتیجه بالا رفتن سطح دستمزدها کشاورز را بر آن داشت که دست از کارهای کم منفعت کشاورزی برداشته و برای کسب در آمد بیشتر بشوهر آروی آورد. (صحیح است) و در این میان دستگاه مسؤل و دلسوزی هم نبود که با حل مشکلات کشاورزان از خارج شدن آنها از دهات جلوگیری کند کشاورزی که نرخ تثبیت شده و عادلانه‌ای برای محصولات خود نداشت و از نظر فنی و مکانیزه کردن کشاورزی کویچترین مساعدتی از سوی دستگاههای مسؤل باو نمیشد ترجیح داد که بشوهر آریاید و کار عملگی و یا دستفروشی و بلیط فروشی را انتخاب نماید. چون درآمندی که باین طریق در مدت سه ماه میتواند بدست آورد بیش از درآمد یکساله‌اش در بخش کشاورزی بود در صورتیکه اگر نرخ محصولات او با بالا رفتن سایر نرخها بالا میرفت و کمک‌های مؤثر مادی و معنوی باو میشد بطور قطع کشاورز هم مانند در ده و اشتغال بکار زراعت را به عملگی در شهر ترجیح میداد. آیا چطور میتوان گندمی که برای تولیدکنندگان حداقل کیلونی بیست ریال تمام میشود از کیلونی ۱۰ تا ۱۱ ریال خرید؟ و آیا اگر در اثر آفات نباتی و باران و تگرگ و سرمای شدید محصول کشاورز از بین رفت چه مبلغی بپردازد او میرسید؟ (یک نفر از نمایندگان - خدا!)

و جبران خسارتش را میکرد که بتواند روی پای خود بایستد و بکارش ادامه دهد. برای‌العین دیدیم که بواسطه سرمای شدید و دیگر امراض گیاهی کشاورز ضمن اینکه محصولش از بین رفت باغستان و یا قلمستان و نتیجتاً حاصل چندین سال زنج و مرارت خود را هم از دست داد و کوچکترین حمایتی هم از طرف دولت باو نشد. آموزش کشاورزی بروستانی اندک و واگذاری ماشین آلات و سم‌پاشی مزارع بسیار ناچیز و جوابگوی کار

کشاورز نبوده است (صحیح است) و اگر با قیمت زیاد ماشین آلات کشاورزی هم به کشاورزان داده شده پس از مدتی این ماشینها، خراب و یا فرسوده شده‌اند. نه مسائل بدکی آنها بوده است و نه تعمیر کاری که مجدد آنها را تعمیر نماید کمک‌های بانک‌تعاون کشاورزی از طریق وام که بیشتر شامل روستائیان شده است آنقدر ناچیز و مشکلات دست و پاگیری داشته است که بهیچوجه نیاز کشاورزان را از نظر تأمین بذر و کود و ماشین آلات کشاورزی برآورده نموده است. و وام‌های بزرگ بانک توسعه کشاورزی هم که با شرایط خاص و دست و پاگیر پرداخت میشود متأسفانه اکثرأ در اختیار افراد غیر کشاورز که تخصصی هم در کار کشاورزی نداشته‌اند قرار گرفته (صحیح است) وجه خوب بود که بررسی مختصری بعمل میامد که آیا بانک توسعه کشاورزی تاکنون به چه اشخاصی وام داده و آیا نتیجه پرداخت این وام‌ها در بالا بردن سطح تولیدات کشاورزی تاچه حد مؤثر و مفید بوده است (مظهری - آمار این وام‌ها را به از ما بهتران داده‌اند) ضمناً آن مقدار محصولی هم که در مملکت چهار نظر غله وجه از نظر میوه جات و سبزیجات تولید میشود در اثر نبودن سردخانه و یا سیلو بیشتر فاسد و غیر قابل استفاده میگردد. مدتی قبل سفری بجزیرت حوزه انتخابیه خود داشتم و در این سفر از مناطق مختلف شهرستان دیدن کردم. مطلبی که بیش از هر چیز برای من و هریرائی و وطنپرست افتخار آمیز و غرور انگیز بود احساسات پاک و بی‌ریای مردم روستاهای ما نسبت برهبر عزیز مملکت شاهنشاه آریامهر بود.

اما مسئله ایکه برای من غم انگیز و ناراحت کننده بود منظره دشت وسیع جیرفت یعنی هند کوچک ایران بود. هرگاه دشت وسیع جیرفت را در گذشته در بهمن ماه از مناطق مرتفع تماشا میکردید تمام منطقه چون نگین زمردینی سبز و پوشیده از گندمزارهای وسیع بود. اما در این بازدید جز خاک سیاه برجای آنهمه مزارع گندم چیز دیگری بچشم نمیخورد و فقط در هر چند کیلومتر مسافت مقداری خیار که در زیر نایلون کاشته شده بود بنظر میرسید. بایستی توجه داشت که کلیه دهات و اراضی مرغوب جلگه جیرفت را در سالهای اخیر شرکت‌های سهامی زراعی و کشت و صنعت از کشاورزان گرفته‌اند. با عنایت باینکه فلسفه تشکیل این شرکتها بسیار مترقیانه و مال اندیشانه بوده است متأسفانه با توجه باینکه مبالغ

هنگامی پول و سرمایه مملکت در اختیار این شرکتها بوده است در اثر کم کاری و یا شاید ضعف مدیریت نتوانسته اند از این مواهب طبیعت بفتح اجتماع بهره گیری کنند. لذا در دهفانان عضو این شرکتها تلگرافاتی بمقامات مسئول نموده اند که رونوشت آنها را برای اینجانب فرستاده اند. در این شکایات آمده است که مسئولین شرکتها نه خود زمینها را زراعت مینمایند و نه اینکه میگزارند ما آنها را زراعت نمائیم و همین مسائل باعث گردیده که غده زیادی از روستائیان شهرها هجوم آورده و آنها نیکه بیبایستی حوراک خود و مردم شهر نشین را تأمین کنند خود جزء مصرف کنندگان و عوامل بی تار و زائد شهری درآمده اند چون در هر حال آنان تخصصی که در شهرها کارسازنده ای را انجام دهند ندارند. و ساکنان فعلی روستاها اغلب پیرمردان و زنان و یا اطفال دبستانی هستند که عملاً از عهده کار کشاورزی برنمایند. و تأثر انگیز است که در بسیاری از روستاهای دور افتاده ما روستائیان از آرد امریکائی و یا گوشت استرالیائی و یا شیر بلغاری و مرغ هلندی استفاده میکنند واقعاً اگر شرکتیهای سهامی زراعی نتوانسته و یا نتواند وظیفه حساس خود را انجام دهند چرا باین از زراعت اراضی وسیله خود کشاورزان شده اند. بطور مثال یکی از این شرکتها که چهار هزار هکتار زمین دارد آنطور که مسئولین شرکت میگفتند فقط یکصد هکتار گندمکاری در سال جاری در محدوده شرکت زراعت شده است. (مظنری - براحوال این خلق باید گریست) من بصدانت و علاقمندی آقای وزیر کشاورزی و عمران روستائی هیچگونه تردیدی ندارم. و واقعاً میخواهند وضع کشاورزی مملکت را از صورت احتضار فعلی خارج سازند. اما بایستی روشن بشود که شرکتیهای سهامی زراعی و کشت و صنعتها مخصوص در منطقه جیرفت چرا بایستی با صرف هزینه های زیاد در سالهای اخیر ناموفق بوده باشند. و آیا علل این رکود را در چه عواملی باید جستجو کرد؟ از جناب وزیر کشاورزی انتظار دارم که دقیقاً دستور فرمایند بوضع این شرکتها رسیدگی شود. و عواملی که این شرکتها را ناموفق کرده است جستجو نمایند. چرا بایستی پول و وقت مملکت بیهوده تلف شده باشد. و آیا مسئولیت این مخارج سنگین و بلا نتیجه بعهده چه شخص و یا اشخاصی است. یقین دارم برده بوشی کردن این مسائل عدم انجام وظیفه است که هراترانی و وطنپرست در مقابل مملکت و رهبر بزرگ و توانای آن دارد. و بنده هیچوقت بخود اجازه نمیدهم از این مسائل حساس

بی تفاوت بگذرم و برابر وظیفه ای که در اجرای منویات شاهنشاه و مردم مملکت دارم مسائل را با صراحت عنوان میکنم باشد که در پیشگاه خداوند و وجدان خود شرمندگی نداشته باشم. در جلگه وسیع جیرفت چند سال است که از طرف وزارت آب و برق سابق و نیروی فعلی حفر چاه ممنوع گردیده - حتی در مناطق غیر ممنوعه جواب درخواستهای مکرر و چندین ساله مردم را نداده اند. به علاوه چاههای آزمایشی وزارت نیرو در منطقه ممنوعه اکثر آرزوین شده و آب باشند از آنها فوران دارد و بواسطه بالا آمدن سطح آبهای زیرزمینی بیشتر مزارع و باغات و حتی منازل مسکونی مردم از بین رفته و یا در معرض نابودی است. حال چرا این منطقه ممنوعه از نظر حفر چاه تعیین شده است مطلبی است که مقامات وزارت نیرو بایستی جواب آنرا بدهند. و یا شاید میخواهند با ادامه این کار بقیه اراضی هم در جیرفت به با تعلق تبدیل شود. البته این مطلب را با جناب وزیر نیرو عنوان کرده ام امید است که توجه مخصوص در این مورد مبذول فرمایند (مظنری - حالا برق راهم میخواهند از خارج وارد کنند) تا کشاورزان زحمتکش و این خدمتگزاران صدیق شاهنشاه بتوانند با حفر چاه و زراعت بزندگی خود سروامان داده و در پیشبرد سیاست کشاورزی دولت سهم بیشتری را داشته باشند. آنچه مسلم است در بخش کشاورزی میلیاردها ریال پول و وقت مملکت سائبا است بمصرف رسیده و نتیجه رضایتبخشی که مورد نظر شاهنشاه بزرگ ما است بدست نیامده است. بیائیم لااقل از هم اکنون که شاید خیلی دیر نشده است با برنامه ریزی دقیق و مدیریتهای مطمئن و علاقمندی و مال اندیشی و تأمین وسائل رفاهی در دهات بخصوص از نظر آب و برق و جاده و مدرسه جبران هاقات را نموده تا شاید انشاء الله بپودی زود سطح تولید را بعدی برسائیم که مملکت از محصولات غذائی خارج بی نیاز گردد. امروز است که در پیشگاه رهبر توانای خود و ملت ایران سربلند هستیم و دولت جناب آقای آموزگار نیز با این موفقیت افتخار ابدی برای خود کسب نموده و همیشه در تاریخ ایران با احترام از او یاد خواهد شد. (دکتر ملک منصور اسفندیاری - انشاء الله گوش شنوایی باشد) مطلب مهم دیگر مسئله آموزش و پرورش مملکت است که در حالت حاضر رفاهی مردم و عدم بیرون رفتن سطح

مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی مشغول به تحصیل هستند. و از این تعداد محصل بایستی سعی شود که بیشترین تعداد در رشته های حرفه ای و فنی که مورد احتیاج مبرم آینده مملکت است تربیت شود و سعی نکنیم که با ایجاد مدارس غیر حرفه ای بر تعداد دبلم و لیسانس های مملکت که همگی آنها نیز میخواهند پشت بسز نشین شده در دستگاههای دولتی خدمت نمایند اضافه کنیم. البته مدت چندین سال است که مدارس حرفه ای در مملکت بایه گذاری شده است. اما با عدم توجهی که شده است فارغ التحصیلان همین مدارس هم در انجام کارهای فنی که مورد احتیاج مبرم مملکت است تعلق خاطر نشان نداده و عملاً پس از پایان تحصیلات خود وارد دستگاههای اداری مملکت شده اند و خوب بود که وزارت آموزش و پرورش اعلام می نمود که از اینهمه مدارس فنی و حرفه ای که دارد چه تعداد کارگر متخصص وارد بازار کار نموده و چند نفر از آنها در بخش خصوصی بکار غیر اداری مشغول هستند؟ وجه نیکوتر آن بود که وزارت آموزش و پرورش با تجدید نظر در کار این آموزشگاهها افرادی را تربیت می نمود که بدون اخذ دبلم گواهی تخصص در کارهای حرفه ای و فنی بآنها داده میشد که با اشتغال در کارهای فنی هم خود آنها از زندگی بهتری بهره مند میشدند و هم اینکه در کارهای صنعتی و تولیدی میتوانستند نقش سازنده ای را در ربربنای صنعتی مملکت داشته باشند. و فقط آنست که از دانش آموزان بتوانند بدانشگاهها راه یابند که استعداد کامل را در فراگیری معلومات دانشگاهی داشته باشند. ملاحظه می شود که بیشتر دانش آموزان دانشگاهی ما پس از پایان تحصیلات خود بدون در نظر گرفتن اینکه چه مخارجی را مملکت برای تحصیلات آنها متحمل شده است. بخصوص طبقه پزشک راهی خارج می شوند (مظنری - آنها وطن پرست نیستند) در حالی که در مملکت خیلی بیشتر بوجود آنها نیازمند است و ناچاراً بایستی از پزشکان خارجی برای درمان مردم استفاده شود. البته اگر ترتیبی اتخاذ میشد که برای شهرهای دور افتاده که کمتر پزشک به آنجا می رود از متخصصین خود شهرها که معدل خوبی دارند بدون کنکور دانشجو انتخاب میشد که آنها با هزینه دولت بدرس خود ادامه میدادند و با تضمینی که از آنها گرفته میشد پس از پایان تحصیلات خود لااقل ۵ سال در محل خود کار میکردند بطور قطع ما دیگر کم بود پزشک در روستاها نداشتیم فرهنگیان که از زحمتکش ترین افراد مملکت محسوب میشوند و طبقه ای بس شریف و حساس بعهده دارند و این

طبقه شریف و زحمتکش برای بالا بردن سطح بینش و دانش نوابوگان این آب و خاک شب و روز تلاش میکنند و هر چه باین طبقه از افراد مملکت توجه بیشتر شود بطور قطع آنها نیز افرادی شایسته تر و ارزنده تر برای سازندگی ایران فردا بجامعه تحویل خواهند داد. خوشبختانه طبقه معلم همیشه مورد توجه و عنایت مخصوص شاهنشاه آریامهر بوده و هست و بیوسته در جهت رفاه آنها دستورات و اوامر خاص صادر فرموده اند و در حال حاضر مسکن یکی از بزرگترین مشکلات معلمان است که دولت بایستی بان توجه مخصوص نماید نحوه ارتقاء گروه معلمان باعث گلابه غده زیادی از فرهنگیان شده است. چون برای ارتقاء بگروه های بسالار تشویق ها و تقدیرهای رؤسای مدارس و رؤسای آموزش و پرورش و مدیران کل و مقامات وزارتخانه نقش اساسی را میتواند داشته باشد. البته نمی توان نقش تشویق و تنبیه را در مورد خدمات کارمند نادیده گرفت اما بنظر من که خود فرهنگیان و معلم هستم برای ارتقاء گروه معلمان تنها ضوابط بایستی کار طاقت فرسای تدریس باشد. چون یکساعت درس دادن در کلاس های پنجاه نفری بیش از سه ساعت کار در سایر رشته های خدماتی است. و از کجا معلوم نیست که در تشویق و تقدیر مسئولان مدارس نظریات شخصی و یا روابط با افراد بر ضوابط قانونی ترجیح داده نشود؟ چندی قبل در گفتگویی که بایکی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش داشتم اظهار شد که در سال جاری ۲۴۰۰ دبیر مورد احتیاج وزارت آموزش و پرورش بوده است که پس از آنگهی های مکرر استخدام فقط ۲۴ نفر برای شغل دبیری داوطلبی خود را اعلام نموده اند که این خود مشکل بزرگی برای آموزش و پرورش مملکت است. برای اینکه هر چه بیشتر جوانهای تحصیل کرده را تشویق بخدمت در آموزش و پرورش نماییم بایستی ضمن تأمین مسکن و سایر وسائل رفاهی ضوابط ارتقاء گروه آنها را فقط در کیفیت و کمیت تدریس آنها اختصاص دهیم. بدیهی است وقتی که معلم در رفاه کامل و خیال راحت زندگی کند نتیجه کار او بهتر و سازنده تر عاید مملکت خواهد شد. عده زیادی از فوق دبلم های شاغل در وزارت آموزش و پرورش از اینکه تفاوت حقوقی آنها با دبلمها بسیار ناچیز است گله دارند البته این صحیح است که مدرک تحصیلی نباید زیاد در بالا رفتن حقوق افراد اثر داشته باشد. اما این نکته را نمی توان نادیده گرفت که آنها تحصیل بیشتری کرده اند و تجارب بیشتری آموخته اند که در هر امری بایستی

بأنها توجه بیشتری مبذول گردد. مزایای قانونی فرهنگیان شهرستانها که ابلاغ آنها مدتها است بر مبنای صد درصد صادر شده است فقط ۶۰ درصد پرداخت می شود که نظر جناب وزیر آموزش و پرورش را باین مورد نیز جلب مینماید در زمینه مسکن:

جای هیچگونه بحثی نیست که مسکن یکی از عوامل مهم زندگی افراد است و هریک از آن از زمان قدیم میل داشته است در چهار دیواری با اصطلاح اختیاری زندگی کنند و داشتن مسکن شخصی جزء لاینفک خصوصیات زندگی هر ایرانی است. در سالهای اخیر بواسطه رشد سریع اقتصادی مملکت یکمده سود جو که جز منفعت خویش بهیچ چیز دیگر فکر نمیکنند بسا بورس بازی روی اراضی شهرها مشکل مسکن را به نحوی بوجود آوردند که هیچکس را برای تهیه محل مسکونی برای خود نبود و مزید بر این علت سودجویی بساز و بفروشها و کمبود تصنعی سیمان و آجر و دیگر مصالح ساختمانی بود که سبب شد قیمت مسکن سیر صعودی طی کند و از انضباط عدهای بدون کوچکترین زحمت و مرارتی در اندک زمان صاحب میلیونها پول باد آورده شوند و حتی شنیده شد که عدهای از پزشکان مملکت دست از کار طبابت کشیده و شغل بساز و بفروش را انتخاب نموده اند. این عوامل باعث شد که اگر سیمان را نرخ رسمی میخواستند یک کیسه آن پیدا نمیشد. اما اگر با نرخ کیسههای پنجاه تومانی یکصد تومان مشتری پیدا میشد بعضی یک کیسه چندین تریلی میفروشد در یک ساعت تهیه کرد. و این مطلب نیز در مورد شیشه و مصالح دیگر ساختمانی کاملاً صادق بود. بانکهای هم که برای کمک به خانه دار شدن مردم شتافته بودند اگر پس از مدتها که پولی را به حساب سپرده آنها میگذاشتند مبلغی را با هزاران زحمت و دوندگی و بهانه جویی در اختیار متقاضی وام میگذاشتند که این مبلغ برای مدت ۱۰ یا ۲۰ سال قسط بندی میشد که فی المثل اگر وام چهار میلیون ریالی که با آنهم نمیشد خانهای تهیه کرد در اختیار شخص در ۱۰ سال قرار میگرفت یا اقساط بندی ماهیانه پنجاه هزار ریال (مظهوری - اقساط این وامها را باید از درآمد های نامرئی بپردازند) دقیقاً مبلغی برابر با نه میلیون ریال در این مدت میبایستی پرداخت نمود. که این خود مشکل بزرگی برای متقاضی وام بود در یکی از شماره های روزنامه کیهان ضمن تجزیه و تحلیلی که از وضع مسکن در مملکت و

مقایسه ای که با سایر کشورها شده بود وام مسکن در ممالکی نظیر هندوستان و یا اسپانیا و یا انگلستان و یا ایالات متحده آمریکا با ربح حداکثر ۱/۵ تا ۳ درصد به متقاضی آنها با قسط حداقل سی سال تا ۶۰ سال پرداخت می شود عنوان شده بود و بنابراین برای متقاضی وام و با خریدار مسکن هیچگونه تحمیلی از نظر بازپرداخت وام در آن کشورها بوجود نمی آید با توجه باین آمار بخوبی میتوانیم مقایسه پرداخت وام مسکن را در دنیا مقایسه کنیم با پرداخت وامیکه بانکهای مملکت ما به متقاضیان خرید خانه میدهند. بطور کلی هزینه مسکن حداکثر نبایستی از سی تا چهل درصد درآمد یک نفر را بیشتر بخود اختصاص دهد. اما اجاره آپارتمان دوطبقی با ماهی سه تا چهار هزار تومان و با پرداخت وام بانکی در هر ماه پنجاه هزار ریال بیش از کل درآمد حقوق یک کارمند و یا یک کارگر در هر ماه می شود. در هر صورت این مسائل باعث تأثر خاطر شاهنشاه ما را فراهم ساخت بطوریکه با صدور فرمان، یکی از اصول انقلاب به مسئله زمین و مسکن اختصاص داده شد و خوشبختانه با تقدیم لایحه زمین بمجلس از سوی دولت و تصویب آن و سایر اقداماتی که دولت حاضر بعمل آورده است از شدت و حدت زمین بازی کاسته شده و بطور قطع قیمت زمین و خانه تا ۷۰ درصد کاهش پیدا کرده است که این موفقیت بزرگی برای دولت است اما نباید غافل باشیم که فرصت طلبان باز هم در کمینند که شاید روزی برسد که مجدداً بورس بازی زمین و بالا بردن قیمت خانه را شروع کنند. اما برای اینکه برای همیشه مسئله مسکن در مملکت خاتمه داده شود بایستی با واگذاری اراضی ملی شده دولت به شرکت های تأمین مسکن و حتی واگذاری زمین به افراد فاقد مسکن و تهیه سیمان و آجر و سایر مصالح ساختمانی بعد کافی و با قیمت معقول و همچنین پرداخت وام با سود کم و مدت زیاد به افراد فاقد مسکن موجب پیش نیاید که فرصتی بدست سودجویان و بورس بازان خانه و زمین بیفتد.

در قسمت صنایع - با عنایت ی اینکه از سوی بخش خصوصی و با سرمایه گذاری افراد گانهای مؤثری در صنعتی کردن کشور برداشته شده و این صنایع همیشه مورد حمایت مادی و معنوی دولت بوده است. معهدا بعضی از آنها صرفاً بصنایع مونتاز تبدیل شده اند که با وارد کردن قطعات یدکی از خارج و پرداختن گمرک محصولات خود را به بازار عرضه میکنند اما این تولیدات روز بروز گرانتر بدست مصرف کننده میرسد. از آنجمله صنایع اتومبیل سازی اما که صرفاً بر پایه مونتاز اتومبیل های

خارجی استوار است و تا کنون موفق نشده اند که خود سازنده قطعات اتومبیل باشند تا جائیکه بتواند آکلیه قطعات اتومبیل را تولید نموده و بی نیاز از خرید اتومبیل از خارج شویم. اما آنچه که از این کار خارج است آنست که اتومبیل دینه می شود بالا بردن قیمتها بطرز سرسام آوری است که روز بروز بالاتر می رود و معلوم هم نیست که این افزایش قیمت ها روی چه ضوابط و روی چه اصولی است و بطور کلی این صنایع مونتاز تا چه حد در پیشرفت صنایع کشور تا کنون مؤثرند (صحیح است).

البته این امیدواری را داریم که صاحبان صنایع با مساعدتهای بیدریفی که از طرف دولت بآنها می شود در پیشبرد صنایع کشور کوشش بیشتری بنمایند و بالا بردن سطح تولید و توجه مخصوص بکیفیت کالاهای ساخته شده روزی برسد که وطن عزیز ما از خرید محصولات صنعتی خارجی بی نیاز گردد و یا انشاء الله خودمان نیز روزی صادر کننده محصولات صنعتی به سایر کشورها باشیم موضوع دیگر موضوع قیمت گذاری محصولات کشاورزی است من چند روز پیش برای آقای رئیس مجلس صحبت میکردم راجع به یک باغدار مرکبات که از باغ خودش حدود یک میلیون تومان مرکبات بدست آورده است در حالیکه قیمت محصولات کشاورزی روز بروز بالاتر میرود و آمارهایی هم که دولت میدهد غالباً اشتباه است من دوستی دارم که مهندس است و در یک مؤسسه ای کار میکند گویا آقای وزیر کشاورزی مدیر عامل مؤسسه او را خواسته که آمار بدهد چون مدیر عامل نبوده دوست من خودش را بجای مدیر عامل معرفی میکند و آمار و ارقامی بدون محاسبه و بیشتر از واقع میدهد و از او قبول میکنند و آنوقت بموجب این آمار است که اعلام میکنند محصولات کشاورزی ما نسبت بسال قبل مثلاً هشتاد درصد ترقی داشته است مطلب بسیار حساس دیگر مسئله انقلاب اداری است که یکی از اصول مقدسی است که رهبر انقلاب اعلام فرموده اند برای اینکه قلب زئوف و مهربان شاه ما متأثر از نابسامانیها و کارشکنیها در دستگاههای اداری مملکت بود و بخدا بسیاری از مسائل و مشکلاتی که در مملکت بوجود می آید ناشی از کارشکنی مأمورین دولتی است. من نمیخواهم همه کارمندان دولت را تخطئه کنم. اما خوبی هم درین آنها هست افراد صدیق و خدمتگزار هم هست اما شما در یک اداره که میروید تلفنچی نمیخواهد به شما جواب بدهد، اندیکاتور نویس نمیخواهد نامه شما را وارد دفتر کند و همه اش

به شما جواب رد میدهد و چرا باید در اتاق آقایان وزراء به روی مردم بسته باشد؟ (یک نفر از نمایندگان - سکرترها نمی گذارند) بلیه اگر کسی تلفن کند بآقایان وزراء یا معاونین کار داشته باشد من گویند آقا شریف ندارند و میای گویند آکسیون دارند این تازه رفتاری است که با ما نمایندگان مردم می کنند تکلیف سایر مردم روشن است (یک نفر از نمایندگان - المأمور معذور) واقعاً برای این مطلب باید فکری کرد، ناراضیهایی که الان در مردم وجود دارد از رفتار مأمورین دولت است و الا بحمد الله مردم مشکلی ندارند مشکلات را فقط دستگاههای اجرایی بوجود آورده اند من اخیراً سافرتی داشتم به حوزه انتخابیه ام به خدا قسم مردم مٹی گفتند کاری نکنید مأمورین دولت مزاحم ما نباشند ما هیچ چیز دیگری نمیخواهیم چون مأمورین دولتی مرتب مزاحم ما میشوند مأمور جنگلبانی جلوی ما را میگیرد که اینجا منطقه ممنوعه است و خلاصه چه میرویم یا راست میرویم یک اشکالی جلوی پای ما می گذارند (مظهوری - مستقیم بروید) اینجا نامی از وزارت کشاورزی و منابع طبیعی برده شد جناب آقای وزیر کشاورزی میدانم از غرایض من متأثر میشود ولی ناچارم عرض کنم که این ماده ۶ قانون منابع طبیعی ماده خیلی ظالمانه است چون اگر کسی جرمی را مرتکب شد چندین مرتبه به پرونده او رسیدگی میشود رسیدگی اولیه در کلانتری و بعد در دادگاه بدوی و بعد دادگاه پژوهش و دیوان عالی کشور و خلاصه اگر محکوم شد به هر حال تجدید نظری در کار است تا محکومیتش قطعی بشود اما شما ماده ۶ ظالمانه ای دارید و به مردم تحمیل می کنید طبق این ماده ۶ مأمور منابع طبیعی میروید به خانه مردم و اعلام می کنید که جزو منابع طبیعی است حالا شما این را آگهی می کنید در روزنامه ولی همه مردم که روزنامه خوان نیستند همه مردم که سواد ندارند کسی که در روستا و کوهستان زندگی می کند چه میداند که روزنامه چیست و تازه در روزنامه های گم نام منتشر می کنند که آن روزنامه ها را کسی مطالعه نمی کند (یک نفر از نمایندگان - تازه در روز ۶ استفهام آگهی را میدهند) به هر حال طوری منتشر می کنند که کسی نتواند مگر دولت سردشنی با مردم دارد (یک نفر از نمایندگان - گاهی بلیه) آگهی را نمی خوانند وقتی از موقع اعتراض گذشت آنوقت است

که ملک و باغ و خانه مردم ملی است و متعلق به دولت و تازه اگر متوجه شدند و اعتراض دادند میروید بمسئولان مادیه جناب فرماندار مأمور منابع طبیعی و یک نفر از دیگترین نظریه میدهند که بلیه منابع طبیعی اینست نه فرجامی در داراست و نه تجدید نظری و حق مردم به این ترتیب نایب میشود جناب آقای رامبد من استقامت می شد این خواست مردم است فکر می کنید . آقایان نمایندگان هم گفته های مرا تصدیق می کنند (نمایندگان صحیح است) یک فکری بکنید که افرادی که بدون اطلاع املاکشان ملی اعزاز شده بتوانند اعتراضی بدهند و خلاصه از شدت این ماده ۲۰ به نحوی شایسته شود تا لاف اول یک راه جوابگویی به مردم وجود داشته باشد و راهی باشد که مردم بتوانند از حق خودشان دفاع کنند در خاتمه عرایض منتهی بآرام که می خوانم . همکاران محترم مملکت ما که نه ضعیف دو بیست سال دراز در سینه های بیگانه وضع هیأت حاکمه وقت در انزوا و ضعف شدید مادی و معنوی فرار گرفته بود . در نیم قرن اخیر بیست و دو ساله ای که از میان مردم عادی این مملکت برخاسته بود سراز خاک ذلت و محنت برداشت (صحیح است) و در اندک مدتی توانست جانی در میان ملل دنیا برای خود باز کند و اگر قیام مردانه رضاشاه کبیر در آن دوران بحرانی و هرج و مرج رخ نداده بود امروز اثری از استقلال و حاکمیت و وحدت ملی ما وجود نداشت و ما در این ماه اسفند که ۲۴ آن زاد روز این رادمرد بزرگ است در برابرش سرتعظیم و تکریم فرود میاوریم و بروان یا کش درود میفرستیم . و متفخریم که تلاش های این مرد تاریخ ایران جهت اعتلای نام وطن بدست فرزند بیروندش شاهنشاه آریامهر دنبال شد . (صحیح است) .

و بحمدالله در مدت محدودی به نتیجه رسید . و در پرتو توجهات خاص و تدبیر و مال اندیشی رهبر بزرگمان و با اجرای اصول ۹ گانه انقلاب توانسته ایم در میان ملل شرق و غرب از موقعیت ممتاز و ویژه ای برخوردار باشیم که مورد حقد و حسد عده زیادی شده است . چون راهی را به کشورهای پیشرفته دنیا طی دو بیست تا سیصد سال طی کردند ما میخواهیم در بیست یا سی سال آنرا به بیامانیم . نه این خود کاری بس دشوار و عظیم است . برای نیل به این مقصود مقدس و رسیدن به دروازه های طلایی تمدن بزرگ و تمدن ناری و از خود گذشتگی و صداقت و صراحت فرد فرد ملت ایران امری ضروری و

لازم است . و امید است که با اجرای کامل انقلاب اداری و هم چنین جانشین کردن ضوابط در تعیین مشاغل و به کارگماردن افراد صدیقی و مؤمن و ماهر در رأس کارها دولت حاضر بتواند در اجرای منویات شاهنشاه افتخاری بیشتری را نصیب خود گرداند . توفیق همه خدمتگزاران شاه و ملت را از خدای بزرگ خواستارم . (احسن)

نایب رئیس - آقای ظفری تشریف میاورید .

پرویز ظفری - جناب آقای رئیس نمایندگان ارجمند دولت و ملت اینک که بودجه سال ۲۰۳۷ در پیشگاه مجلس شورای ملی مطرح است می خواهم از توقعات مردم ایران که از دولت ایران دارند سخن بگویم . این توقعات نه کم است و نه زیاد ، توقعی است برابر امکانات و اختیاراتی که ملت ما برای دولت ما فراهم می کند . توقع بسیاری است ولی زیاده از امکان و اختیار دولت نیست در حدود چهار هزار و دویست میلیارد ریال بودجه ایست که در اختیار دولت است و با توجه به آخرین آمار که قبلاً شنیده ام و با احتساب دو هزار دلار درآمد سرانه کشور رقمی است در حدود ۸ درصد درآمد ملی ایران یعنی از هر صد تومانی که بشود در این مملکت خرج کرد هشتاد تومان آن در اختیار دولت است . متمرکز در یک جا و در اختیار برنامه ریزان کشور است . هماهنگ ، هزینه کردن و درآمد ملی ایران کار آسانی نیست به شرط اینکه بخواهیم آن را دقیقاً اجرا کنیم من فکر میکنم برای هزینه کردن درست این رقم درست به بسیاری چیزها نیازمندیم به تجهیزات و ساختمان ها ، ماشین آلات و نیروهای متخصص و غیر متخصص در این راه نیاز داریم و چنین هست ولی بالاتر از این ها در طول این سال ها به نکته ای رسیدم و آن داشتن ایمان است (صحیح است - احسن) یعنی مایه اصلی اجرای هر برنامه ای ، حرکت به سمت هر هدفی که بالا و بالا باشد جز با وجود ایمان مقدور و میسر نیست (صحیح است) پس ما توقع داریم که دولت برای انجام رسالت خرج صحیح چهار میلیارد و دویست میلیون ریال ترتیبی اتخاذ کند که این ایمان را در وجود و پیکره همه دستگاه های خودش رسوخ بدهد این امکان ندارد مگر این که دولت خود سرمشق خوبی باشد (صحیح است) در این جا با موعظه نمی توان کار کرد و اگر بشود کار هم کرد ، دستگاه اجرایی جایگاه موعظه کردن نیست ، جایگاه کار و عمل مؤمنان است و حق این است ما توقع داریم ایمان راستین از سطوح بالای دستگاه اجرایی مانند خورشید فروزانی که دل تاریکی ها را می شکافد در تمام وجود این دستگاه اجرایی که میخواهد این هزینه گران را بکند ،

رسوخ کند و آن هارا به صورت سپاهیان ایزدی تجهیز کند که ما با اطمینان و اعتماد بوجود آن ها که مانند یک سپاه مطمئن و نیرومند میبایستی در پهنه ایران زمین پخش باشند کار کنند ، نظارت کنند ، برنامه ریزند تا به آینده ملت خودمان امیدوار و مطمئن باشیم . این وظیفه اساسی و مهمی است که میبایست دولت ما بیش از هر چیز در برابر دیدگان خودشان داشته باشد و تمام دستگاه خودش و تمام کار و کوشش و سخنان خودش را در این مسیر قرار بدهد (احسن - احسن) ما برای اینکار به موعظه نیاز نداریم ما میبایستی به گذشته مراجعه کنیم ، همه مادر گذشته زندگی میکنیم و به سمت آینده در حرکتیم موجودیت ما . آن چه در اختیار ماست در این گذشته بوجود آمده ، ما خودمان را وابسته به این گذشته میدانیم ملت ایران را نمی شناسیم و این گذشته را تا دور دست ها تداعی می کنیم از آن هزاره های دور دست راه می افیم فراز و نشیب ها را طی می کنیم . تا امروز به این جا می رسیم و فکر ما و اندیشه ما و فرهنگ ما در طول این دوره ها که پشت سرما قرار دارد بوجود می آید و قدرت و استحکام می پذیرد . (صحیح است) پس تمام ایدئال های آینده مبنی برگرفته ای است که در آن زندگی کرده ایم و در آن ساخته شده ایم یا در آن ویران شده ایم پس این درست نیست که گذشته را فراموش کنیم کسی که گذشته را فراموش می کند صاحب هویت نیست و به حرف او اعتمادی نیست و نمی توانیم او را به عنوان یک متکای نیرومند بشناسیم پس باید گذشته را دقیقاً بشناسیم و ارزیابی کنیم و آن وقت آنچه که با شناخت این گذشته می گوئیم و تصمیماتی که ما با شناخت این گذشته می گیریم ، راهمان را بسوی آینده مشخص خواهد کرد در هر حال توجه به این گذشته نخستین وظیفه ای است که دولت به عهده دارد و در شرایطی که این گذشته را شناسایی کند خوبی ها و بدی های آن را رده بندی کند مردانی که به راه این ملت کوشیده اند شنایش کند و آنها را که برای از میان بردن منابع این ملت و بدنبال آن ایجاد نگرانیها در میان مردم قدم برداشته اند تنبیه کند . در چنین شرایطی است که ما میتوانیم امیدوار باشیم گامهای خود را درست برمی داریم که درآمدهای خود را درست هزینه میکنیم . در گذشته بازها شنیده ایم و امروز هم شاید بسیاری از دولتیان بگویند و انفعان کنند که دولت تاجر خوبی نیست اگر سخن از این که دولت نمی تواند دستگاه انتفاعی را اداره

کنیم و سنطور از « دولت تاجر خوبی نیست » این باشد باید عرض کنم که اداره یک سازمان انتفاعی چه میخواهد و در اینجا دولت چه چیز کسردارد که تاجر خوبی نیست ؟ اگر عوامل تولیدی را در نظر بگیریم ، ماشین آلات و تجهیزات و ساختمان ، سرمایه ، انرژی و نیروی انسانی و مدیریت ، میبایستی به تمام یک از اینها را دولت کمتر از دستگاه های خصوصی دارد . سرمایه اش کمتر است یا ماشین آلات در اختیارش نیست و مواد اولیه کمتری دارد یا انرژی با اندازه کافی بدستش نمیرسد . نیروی انسانی را از بازاری غیر از بازاری تهیه میکند که دستگاه های خصوصی تهیه میکنند یا مدیران نالایقی دارد ؟ اینها را همه میبایستی ارزیابی کنیم . اگر ایمان و اعتقاد برای اداره یک سازمان وجود داشته باشد این سازمان خواه اداری ، خواه انتفاعی باید وظیفه خودش را با راندمان خوب جلو ببرد . فقط آنجا که پول و ترازنامه مطرح است آنوقت متوجه میشویم که دولت تاجر خوبی نیست ولی ترازنامه های سازمانهای اداری را هرگز جلوی چشمان خودمان نگرفته ایم و هنوز آنرا نتوانسته ایم با ارقام نشان دهیم و گرنه در آن سازمان انتفاعی مالی فقط بی ایمانی افرادش بوده است که دولت ادعان میکند تاجر خوبی نیست ولی سازمانهای اداری ترازنامه ندارند تا من بشما نشان بدهم که دولت مدیر خوبی هم نبوده است (صحیح است - آفرین) شما در دستگاه های اداری تورم نیروی انسانی را می بینید ، در دستگاههای اقتصادی دولت هم چنین توری را می بینید خود من هم در چنین سازمانهای دولتی کار کرده ام . غالب شما این سازمانها را می شناسید ، انبوه مردمی را که در آنجا بیکارند و غالب اوقات بیکاری صبح زایه شب میروند و با وجود تبعیضات اداری و ناسامانیهای اداری مرتباً صحتهای آنها . در این زمینه ها دور میزند . این چنین سازمانهایی چطور میتوانند انتفاعی باشند ؟ سود ده باشند و دارای راندمان خوب باشند . در شرایطی که ما کمبود نیروی انسانی را در مملکت احساس میکنیم و بخاطر رفع این کمبود از سرزمینهای دور و نزدیک مردمی را بداخل مملکت میاوریم ، لیکنه است که ارزیابی مجددی را لازم میدانیم که سازمانهای اداری خودمان را مورد ارزیابی قرار دهیم و آنرا متناسب با نیاز با تعدادی از افراد و نیروی انسانی تجهیز کنیم که قادر بانجام وظایف خود باشند و با اشتغال نیک کار سازنده کمتر فرصت این را پیدا کنند که بمسائل دیگری غیر از کار اداری خودشان بپردازند . دولت میبایستی منابع ملی ایران را حفظ بکند

من تعجب میکنم که گاه که با مسئولین اداری روبرو می‌شویم مسائلی را که بآنها می‌گوئیم اظهار بی اطلاعی میکنند و قول میدهند که درست بکنند. من اصولاً این بی اطلاعی را یک بی اعتقادی میدانم. چطور سازمانی که تمام امکانات در اختیارش هست از نواقص کارش بی اطلاع است. این خود نقطه ضعف بزرگی است برای دستگاههای اداری اما ناسامانی ها بقدری زیاد است که واقعاً احتیاج بچسبجو نیست. من مثال روشنی می‌آورم که مقابل همه است. ما برای تجهیز سازمانهای اداری خودمان وسایل نقلیه و خودروهائی داریم، رانندگانی برای آن خودروها استخدام کرده‌ایم و روی این خودروها نوشته‌ایم که استفاده اختصاصی ممنوع است ولی کدامیک از شما این سرمایه‌های ملی ما را ندیده است که مورد استفاده اختصاصی قرار نگیرد و جز بختنابه‌های محرمانه، برای جلوگیری از این خلاف و از این بهدر دادن منابع ملی چه کرده‌اید؟ این راهمه مردم ایران در کوچه و خیابان و بیابان می‌بینند و آنوقت چگونه بخودشان جرأت بدهند که راجع به سایر ناروایی‌هایی که با آنها آشنا میشوند و در مقابل دید همگان نیست سخن بگویند از رشوه‌خواری نارمندان دولت سند می‌خواهند و ازها لی یک مأمور دولت سند می‌خواهند، با چه جرأتی میشود از این مسائل سخن گفت. ولی اگر می‌خواهید که اینها با ایمان به سوی شما بیایند آن ظواهری را که عرض کردم حداقل اصلاح کنید تا او بخودش جرأت بدهد یک قدم جلو بگذارد، یکی دیگر از موارد بدهد دادن سرمایه‌های ملی که همه با آنها آشنا هستند می‌خواهم نام ببرم، ما معمولاً پروژه‌های زیادی در مملکت اجرا می‌کنیم، بسیاری از اینها را و تمام آنها را که ما در آمد دولت ساخته میشود باید از طریق مناقصه بیاییم، این مناقصه‌ها چگونه اجرا میشود. غالباً مفاصله کار دست اول صاحب یک دفتر و یک میزاست ولی از مسائل ساختمانی چیزی در اختیار ندارد! اوقف برنده مناقصه بیست بعد در رده‌های دوم و سوم، چهارم و پنجم این کار انجام میشود و هر یک از این رده‌ها درصدی از درآمد ملی را بدون آکترین انجام وظیفه‌ای به جیب خودشان میریزند و این را ما میدانیم، (صحیح است) چطور دستگاه دولتی نمیداند؟ غالباً یک طرح در مرحله آخر بدست عدان عمل و بنای ده انجام میشود و ناقص انجام میشود ولی پولش را مفاصله کاران دست اول تا پنجم به جیب خودشان میریزند اگر می‌خواهید از بهدر رفتن

درآمدهای ملی جلوگیری کنیم اینها نمونه‌ی روشنش هست و اما سرمایه‌گذاریهای نادرستی که در کشور اجرا شده و من بآنها اشاره میکنم و امیدوارم که در آینده شاهد آنها نباشیم و امیدوارم که با مقدماتی که عرض کردم در چنین شرایطی قرار بگیریم ما معمولاً برای خرید دستگاههای بسیار گرانقیمت که خارج از مرز ساخته میشود خیلی بسرعت عمل می‌کنیم، در بحث بودجه بخشی بود بنام انفورماتیک دستگاههای بسیار مدرن و کامپیوترهای مدرن سیاستی در کشور ما مستقر باشد (یکی از نمایندگان - اجاری است)، هدف از اجاره کردن این دستگاهها چیست؟ داشتن یک چورتنکه به چه درد می‌خورد؟ تا شما قبل از آن اعداد و آماری و پس از آن هدفنهایی نداشته باشید و جودیک چورتنکه یا کامپیوتر به چه دردی می‌خورد، آیا فکر کرده‌اید که با اجاره همین دستگاههای بسیار گرانقیمت، آماری را می‌خواهیم ارزیابی کنیم هدف از تهیه این آمار چیست و باین دستگاه چه چیزی را می‌خواهیم ارزیابی کنیم و بکجا برویم؟ اگر واقعاً این مسأله روشن باشد و ما نتوانیم با وسائل موجود چنان آماری را ارزیابی بکنیم بدیهی است که این وسیله را میبایستی تهیه کنیم ولی متأسفانه نه‌آن آمار و نه‌آن هدفها هرگز برای ما تشریح نشد که نیازی باین دستگاهها را احساس کنیم، در مورد سرمایه‌گذاری های نادرست سخن گفتن شاید طرح مسأله تهران که دیگر دوستان به‌آن اشاره نکردند اینجا بتواند نمونه باشد، ما امروز در تهران با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستیم در واقع تهران شهری برای زندگی نیست، در تهران امکان تنفس کردن سالم وجود ندارد و در تهران از گوشه‌ای به گوشه دیگر با زمان معقولی نمی‌شود رفت و حرکت کرد، در تهران اگر هر جاده کوچکی رخ دهد و بتوانیم مواد غذایی برای ۴ ساعت باین شهر برسانیم شور بی‌دفاعی است، چرا چنین شده است آیا این گناه شهردار تهران است، آیا شهرداران تهران به تنهایی تهران را به این روز درآورده‌اند و یا تمام برنامه ریزی در مسیر این چنین دشواریهایی قرار گرفته است؟ بیاییم قدری مسأله را بشکافیم، معمولاً مردم در پی رفاه هستند و می‌خواهند زندگی کنند، غذایی داشته باشند و این را نمی‌توان داشت مگر از طریق داشتن شغل و شغلی وجود ندارد مگر سرمایه‌گذاری درجائی صورت بگیرد. پس هر جا سرمایه‌گذاری بشود مردمی بدنبال بهره‌گیری از آن دنبال داشتن درآمد به‌آنجا سرازیر

می‌شوند و شما در طی سالهای دراز شاهد بودید که چنین برنامه‌هایی فقط در حوزه تهران و تهران صورت گرفت مردم نه به‌خاطر استنشاق این هوای آلوده و نه به‌خاطر این ترافیک کشنده تهران بلکه به‌خاطر داشتن درآمد به تهران آمدند در اینجا سرمایه‌گذاری در زمینه رفاه صورت گرفت بیمارستانهایی ساختند و مدارس عالی و دانشگاهها یکی پس از دیگری بوجود آمد و توسعه پیدا کرد و همه اینها جاذب جمعیت شد در حالیکه نیازی نداشت تهران برای جمعیت آنروزش می‌بایست این وسائل رفاهی را فراهم می‌کرد ولی فراتر از نیاز خودش اینکار را بجای اینکه در بونه کشور متمرکز کند در اینجا متمرکز کرد و تمرکز امکانات مردم را به این جا کشاند چه بسیار مردمی که برای مراجعه به پزشک به تهران آمدند و ساکن تهران شدند چه بسیار بیمارانی که از دهها هزار متجاوزند با همراهان خودشان هر روز در تهران پرسه می‌زنند و بدنبال پزشک از این طرف آن طرف می‌روند. چه بسیار خانواده‌هایی که برای ادامه تحصیلات فرزندان شان به تهران آمدند و در تهران مقيم شدند اینها برای این سرمایه‌گذاریهای ناصحیح تهران تحمیل شده و زندگی آنها وزندگی ساکنان قبلی تهران در یک چنین وضع دشوار بسیار کشنده‌ای قرار گرفت. برای تأمین آب تهران اگر محاسبه بشود که چه میلیاردهائی ما خرج کرده‌ایم آنوقت متوجه میشویم که بزرگ کردن تهران چه لطمه‌ای بدیگر نقاط کشور و اقتصاد مملکت وارد آورده است. ما آبها را از آنسوی کوهستان البرز به تهران هدایت کرده‌ایم و این بسادگی صورت پذیر نیست و هنوز در فکر این هستیم که رودخانه‌های دیگری را از آن سوی کوهها به تهران بیاوریم و صدها چاه عمیق در نظر گرفته شده که در جنوب تهران حفر بشوند و این برنامه‌هایی است که در مسیر اصلاح وضع تهران نیست. شاید بیش از ۱۰۰۰ پل هوایی ما احتیاج داریم که بتوانیم مسئله ترافیک فعلی تهران را حل کنیم و پس از ساخته شدن آن پلهای هوایی با زهم سرگردانی امروز را آنروز خواهیم داشت. پس یک راه بیشتر در پیش نداریم و آن اینست که شرایطی را که تهران را به این روز درآورده‌از میان بذاریم قایقی که شما مشت، مشت، آب از آن بیرون میریزید موج موج آب تویش میریزد امکان نجات ندارد (آفرین) میبایستی کاری کنیم که مردم ایران آنچه در تهران می‌جویند در خانه خودشان پیدا کنند (آفرین) و آنوقت به حل مسایل تهران توفیق خواهیم یافت. پس در این راه شهردار

تهران و شهرداران تهران توفیق نخواهند داشت مگر آنکه تمام برنامه‌ریزیهای مملکت در این مسیر حرکت کند. اشتباهات دیگری که در مسیر برنامه‌ریزی‌ها قابل شناخت است سرمایه‌گذاریهای بسیار بزرگ در یک نقطه است این یک الگوی آمریکای شمالی است که احتمالاً توسط مشاوران آنها به کارگزاران ما دیکته شده است مثلاً یک کارخانه شیر پاستوریزه باید جوایگوی یک استان پهناور باشد ماده خام خود را چهار صد کیلومتر دورتر بیاورد و فرآورده‌اش را مجدداً ۳۰۰ کیلومتر دورتر بان نقطه دوردست حرکت بدهد زیرا کارشناسان اجازه نمیدهند که این کارخانه بزرگ به کارخانه متناسب با هر منطقه تقسیم بشود. کار بزرگ باید کرد و شکست های بزرگ باید انتظار داشت ما درآمد کافی داشته‌ایم که بتوانیم مملکتان را به نسبت مقدوری رشد و توسعه بدهیم نمایندگان محترم شما ببینید با بسودجسه بسیار ناچیزی که در اختیارتان بود چه مقدار نگرانیهای روستاها را رفع کردید مگر چه می‌خواهید روستایی که بیش از ۵۰ درصد جمعیت ایران را دربردارد؟ او یک راه خاکی می‌خواهد مدرسه برای بچه‌اش و آب آشامیدنی و یک درمانگاه از فاصله‌ای معقول ولی همین نیازهای اولیه و ساده را طی سالهای دراز با آنها نداده‌ایم. نمی‌توانیم جلوی آنها را سد بکنیم و بگویم شما محکومید همانجا بمانید از بی‌درویی بگریزید و در بسوادی ادامه زندگی دهید، در فکر آینده خود نباشید، «دهاتی بنده زینتی» این اصطلاحی که در منطقه می‌گفتند و در بی این اصطلاح طبیعی است که برنامه ریز ما توجهی بانجام حقیقی کرد ولی اگر برنامه‌ریزی ما از آرمان‌خواهی برخوردار باشد یک روز در کمیسیون برنامه گفتیم هر برنامه ریز ما باید احساس کند که باخته‌ای از یک تن محنت تنی که ملت ایران نام دارد هر برنامه ریز باید خودش را در تمام نقاط ایران احساس کند و برای اینکار لازم است که اطلاعات جامعی از تمامی نقاط ایران در اختیارش باشد نگاهی به دوربینی قورباغه برای یک برنامه ریز همین حوادثی را خواهد آفرید که در این مملکت آفریدند همه چیز را در کنار دروازه خانه‌هایشان متمرکز کردند. ایران فقط شهر آنها بود ولی ایران سرزمین وسیعی است که همه ایرانیان در آن زندگی می‌کنند و در برابر قانون حق مساوی دارند و حق مساوی یعنی استفاده مساوی از آنچه که بزندگی انسانها وابسته است (آفرین) در پی یک چنین سرمایه‌گذاریهای

نادرست بدیهی است حالتی پیش می آید که نام تنگنا بر آن گذاشته اید در آنجا که شما انبوه مردمی را بجایی فرا می خوانید با مشکلات بسیاری برای تغذیه و سکنی دادن آنها و تأمین رفاه آنها برخورد می کنید. آن تنگناها نتیجه چنین برنامه ریزیهای نادرست است. برنامه ریزیهای ما می بایست کلاً با هم هماهنگ شوند من متأسفم که در گذشته برنامه ریزیهای کردیم که به تنهایی با خودش و اجزاء خودش هم هماهنگ نبود. ما شاهد ساختن سدهایی بودیم که بعد از سالها بعد از آنکه نیمی از آن با گل ولای برسد هنوز شبکه های آبیاری و سیستم برق رسانی آنها تمام نکرده بودند ولی این تنها کافی نیست که مایک چنین طرحی را اجرا کنیم این طرح و آن ۱۴ هزار طرحی که می گویند روی کمیونیس — کمیسون شاهنشاهی هست همه میبایست با هم هماهنگ بشوند. اگر با هم هماهنگ نشوند آن باصطلاح تنگنا را بوجود خواهند آورد. اگر قرار باشد که بندرهای ما توسعه پیدا کند راههایش را نباید فراموش کرد اگر قرار است ۱۴ هزار مؤسسات مختلف در این مملکت طی سالهای آینده تکمیل شود میبایستی نیروی انسانی لازم برای این سازمانها بوجود بیاید. ما دستگاه آموزش برای رفع آن احتیاج داریم آیا این دستگاه آموزش کشور اطلاعاتی از چند وجوه این برنامه ها دارد؟ آیا میدانند که چه طرحهایی در دست تهیه و اجرا است آیا می دانند که چه نیروهای انسانی، چه تخصص های ویژه ای برای اداره این سازمانها در آینده نزدیک و دورتر لازم است. اگر این برنامه ریزیها نشود ما بی شک با آن تنگنایی که امروز و در گذشته با آن روبرو بودیم همچنان در آینده دست بگیریم خواهیم بود پس اصل مهم هم آهنگی برنامه های کشور است. در مورد درآمد های نفتی مطالبی باید قیعرض برسانم تا از این نظر در شرایط ویژه ای در طول تاریخ حیات ملتمان هستیم سایر کشورهای جهان با استفاده از گاز و کوشش مردمشان زندگی شان را ادامه دادند و ساختند و سرمایه گذاریهای جدید از همین منبع درآمد های مردم تأمین شد و می شود بدیهی است امکان سرمایه گذاری در یک چنین اقتصاد وابسته بخود در حدودی صورت میگیرد که آن جامعه پس انداز کرده باشد و این درس اقتصادات و دانش اقتصاد است همانقدر که پس انداز می کنید می توانید سرمایه گذاری کنید ولی مادر و رای این پس انداز که

هرچه هست درآمد بسیار بزرگتری داریم، ذخیره بزرگ و عظیمی از گذشته داریم که امروز می توانیم از آن برداشت کنیم و این پس انداز، پس اندازی است که بصورت ارزهای نفتی در اختیار ما قرار دارد پس کارشناسان اقتصادی ما نباید به خودشان بنازند که ما در حدود یک کشور پیشرفته جهان با کمی بالاتر از آن رشد داریم او با درآمد های داخل کشور خودش پس انداز میکند و از این پس انداز سرمایه گذاری می کند و ضرب افزایش درآمد ملی ضربی است از یک مقدار سرمایه گذاری، من پر فرضیانی که هرگز در هیچیک از کشورهای جهان با آن برخورد نکردم یعنی در بدترین شرایط در یک اقتصاد غیر قابل تصور از طریق محاسبه علمی اقتصادی به رشدی کمتر از صد نرسیدیم ما با سرمایه گذاریهای که انجام میدهم مقدار سرمایه گذاری ما یعنی برداشت از ذخیره های نفتی به نسبت درآمد ملی می بایستی ارسال درآمد ملی را دو برابر کنیم چرا چنین نمیشود همان است که در آغاز سخنم گفتم ما میبایستی با مدیریت صحیح با شناخت ریشه های فساد و خشکاندن آنها بتوانیم امکان رشد ملی را فراهم کنیم سخن از تورم در ایران سخنی غیر قابل گذشت است هر کس با علم اقتصاد آشنائی داشته باشد و اصول علم اقتصاد را بشناسد امکان ندارد که یکپارچه تورم را بتواند بپذیرد مگر با کم کاری. تورم چطور پیش می آید؟ همه ما میدانیم درس اول است همه میگویند عرضه و تقاضا اگر تطبیق کند تورمی نیست ولی اگر تقاضا بر عرضه پیشی بگیرد آنوقت ما با تورم روبرو میشویم ما اقتصاد بسته ای که نداریم ما با امکان برخورداری از درآمدهای نفت که ارتباطی با این اقتصاد کار در جامعه ندارد میتوانیم تمام این تقاضاها را بر آورد کنیم. استفاده از این درآمدهای نفتی به ما فرصت میدهد که تا حد این درآمد نفتی عرضه لازم را به بازار اقتصاد ایران ارائه دهیم من هرچه فکر میکنم نمی توانم دلیلی برای این تورم پیدا کنم مگر سودجوییهای بی حساب و فساد های بی حساب که شما آنها در زمین در مواد غذایی و سایر کالاها می بینید اینها هیچیکند به دلیل افزایش تقاضا بر عرضه نیست فساد است ریشه ای در اثر بی ایمانی که جای گرفته است در وجود کسانی که در واقع عرضه کننده کالا هستند و ما نمی توانیم با آنها در حد درآمدهای سرشار ارزی نفت مبارزه کنیم این را من بعنوان یک هشدار می گویم ما واقعاً با شرایط موجود نباید از ۹ درصد رشد و ۱۷ درصد تورم خودمان راضی باشیم ما باید بدانیم که

بدون یک درصد تورم می توانیم رشدی فراتر از آنچه بست آورده ایم. بست یاوریم به شرطی که در ابتدای سخنم گفتم و آن شرطی است که از آن نمی توان گذشت باید کار کنیم و با ایمان کار کنیم باید از منابع ملی مان پاسداری کنیم و براساسی پاسداری کنیم نکته دیگری هم هست که باید مطرح کنیم و آن مسئله دلارهای نفتی است از آنجا که درآمد ما از نفت درآمد قابل توجهی است رسیدگی به این مسئله می تواند برای جامعه ایران برای اقتصاد ایران برای سرنوشت ایران بسیار اساسی باشد ما میدانیم که دلار آمریکای شمالی بعنوان ارز بین المللی در سراسر جهان پخش و پراکنده است این دلار از کشوری به کشور دیگری می رود و باز میگردد و همچنان در رهنه اقتصاد جهان سرگردان است و کم اتفاق می افتد دلاری که از مرزهای آمریکای شمالی خارج میشود یک بار دیگر به آنجا بر گردد اما این تصور که روزی این دلار سرگردان به آمریکا باز خواهد گشت خود یک خطری برای ما است در شرایط کنونی اقتصاد جهان ما با کاهش مداوم ارزش دلار در بازارهای بین المللی روبرو هستیم این مسئله امروز هست دلار در طی سالهای گذشته مرتباً روبه کاهش بوده است. دلاری که در ۲۰ سال پیش به هنگام معاوضه با مارک آلمان غربی یک در مقابل ۳/۴ بود امروز یک در مقابل دو است و این قابل تأمل است که تمام پولهای اروپای غربی در چنین وضعی نسبت به دلار قرار دارند بزرگترین طرف قراردادهای اقتصادی ما در بازار خرید کالای اروپای غربی و پس از آن ژاپن و بعد آمریکای شمالی است در چنین شرایطی خرید ما از بازار بزرگ اروپای غربی و ژاپن بدلیل کاهش دلار که ریال ما به آن وابسته است یعنی در طول این مدتی که دلار کاهش پیدا کرده برای ما همان ۷۰ ریال بوده است ما مرتباً در مقابل چنین خریدهایی مغبون میشویم توری می که بردوش کالاهای وارداتی و اقتصادی ایران وارد می شود علت آن وابستگی ریال با دلار است پس اگر قرار باشد که ما جلوی این تورم را بگیریم و نگذاریم این تورم بداخل ایران از این طریق وارد شود و ما ناچار نشویم بخشی از درآمد نفتی خودمان را برای این تورم از دست بدهیم ناچاریم به ارزشیونند دیگری که اقتصاد مایرای آن ارزش بیشتری قائل است تکیه کنیم در این مورد امکانی هست از چند سال پیش یک واحد پول بین المللی وجود دارد این واحد پول بین المللی معدل پول ده کشور نیرومند اقتصادی جهان است اگر ما بجای

دلار به یک چنین واحد پول تکیه کنیم هرگز دیگر سخن از تورم به این مضمون نخواهیم داشت و اگر سالهای آینده را در نظر بگیریم و آنچه که عرض کردم امکان برگشت دلارهای سرگردان آمریکا بوجود بیاید اقتصاد آمریکا ایجاب می کند که دلار روز بروز کاهش پیدا کند تا از طریق بازگشت این دلارها زبان کمتری بیند پس ما امید روزهای بهتر و پیش بینی روزهای بهتری را برای دلار نمی توانیم داشته باشیم و اگر قرار باشد که درآمدهای نفتی داخلی سالهای آینده در نظر بگیریم، آنوقت می توانیم به اختلاف بهائی که میبایستی برای کاهش دلار بپردازیم پی ببریم. توصیه من به وزارت اقتصاد و دارائی این است که در اینمورد دقت کافی بکار ببرند تا درآمدها به علت وابستگی به دلار مدام در معرض کاهش قرار نداشته باشد، این بود مطالبی که باختصار به عرض رساندم و یک مطلب دیگر هست که به برنامه سخن امروز من اضافه شد و آن برخورد دولت با مجلس در نخستین روز بررسی بودجه سال ۴۰۳۷ است در برنامه دولت سخنی است، می گوید: دولت به آزادی بیان و قلم و تحکیم و تقویت نیروهای سازنده آن در جامعه ایران ارجح و حرمت می گذارد جناب رئیس من متأسفم که دو روزنامه عصر تهران کیهان و اطلاعات کوچکترین خبری از بحث مجلس ندارد آن سخن دولت بود و این فرموده شاهنشاه است «سیاست حداکثر آزادی را ادامه میدهم» ما از دولت برای اجرای فرمان شاه متوقع بودیم که سخنان امروز مجلس عنوان بشود. امروز سخنانی از سوی مرشد بزرگ من جناب آقای محسن پزشکیان عنوان شد، مسائلی بود که بسادگی نمیتوان از آن گذشت، مسائل سیاست ملی ایران بود مسائلی که زندگی ملت ایران در آن مطرح بود، نگرانیهایی که از آینده این سرزمین داریم، بگفتند و من شنیدم که در روزنامه های اطلاعات و کیهان چاپ اول در این مورد مطلبی بوده است و در این چاپ دوم که در دست من است به جای آن خبر پیروزی خانم گاندی چاپ شده است این خطر بزرگی است که خیلی بر آن اشاره رفت خطر بزرگی است که به قانون اساسی ایران، به مجلس قانون گذاری ایران بی توجهی می کنیم مجلس را از جایگاه خودش فرو بکشیم، ارتباط مجلس را با ملت ایران قطع کنیم در حالیکه نتوانسته ایم ارتباط دژدها و رشوه گیرها را با آنها قطع کنیم و انکرده ایم. ما در چنین مسائلی وارد شدیم بگذارید سخنان نمایندگان این ملت به گوش جامعه

ایران برسد ، بگذارید ببینند که یک مرد مین پرست که ۳۷ سال از زندگی خودش را بخاطر سرفرازی این مات در بیکارهای بسیار مایه گذاشته است چگونه نگران آینده این کشور است اگر پایخی دارند ، بگوئید وگرنه بگذارید تا جامعه ما با اندیشه نمایندگان خودش و با اندیشه جانبازان راه سرفرازی و بزرگی ایران زمین آشنا شود بین در این جا بنام کسی سخن می گویم که بارها در پهنه بیکارها دست به گریبان مخاطره ها بوده

استخوانهایش شکسته شده و چشمش را از حده در آورده اند و بی همیشه با ایمان راسخ به بیکاری بزرگ تر رفته است و امروز هم از این سنگو برای دفاع از موجودیت ملت ایران استفاده می کند (احسنت) اینجا جایی نیست که برای این آمده باشیم که نماینده مجلس باشیم ، بلکه آمده ایم که وظیفه نمایندگی خود را در برابر تاریخ و شاهنشاهی ایران ایفا کنیم (صحیح است) اینجا است آن سنگری که ما انتخاب کرده ایم ، متأسفانه در بسیاری از مراحل می بینیم که ما خود زندگی را فراموش می کنیم و به ابزار زندگی می چسبیم ، مجلس سنگر است ، مجلس بلندگو است ، استفاده از این سنگر در چارچوب قانون اساسی بخاطر حفظ و پاسداری ملت و شاهنشاهی ایران چیزی است که ما را به اینجا کشانده است و ما هرگز دلبسته آن نیستیم که در این جانبشیم و وظایف خود را فراموش کنیم (صحیح است) ما هرگز در مقابل کوچکترین وظیفه خود در این سرزمین عقب نمی نشینیم نه احتیاطاً جایگاه و مسندهای خودمان را در اینجا حفظ کنیم ، خاک بر سر کسی باشد که بخواهد منافع ملتش را در برابر منافع خودش قربانی کند ، متشکرم . (احسنت - احسنت - آفرین)

نایب رئیس - آقای دکتر طیب بفرمائید .

دکتر طیب - جناب آقای رئیس ، همکاران محترم در آغاز سخن هزاران آفرین به دوست و سرباز سرفراز و ایران پرست مهندس بیرون ظفری (احسنت)

اینک که بحث در کلیات بودجه سال ۲۵۳۷ در ساحت مقدس مجلس شورای ملی مطرح می باشد لازم است بگویم بهنگام طرح بودجه که یکی از مهم ترین نهادهای سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مملکت است نمایندگان ملت سیاست ها و نقطه نظرهای خودشان را بیان می نمایند .

به همین مناسبت این فرصت برای ایجناب بسیار با اهمیت می باشد به از نظر ارقام مالی آن که بالغ بر

۴۱۷۹ میلیارد ریال می باشد . زیرا همه اینها اجزائی هستند که بخاطر یک منظور عالی تر باید بکار گرفته شود و اگر این اجزاء و برنامه ها نتوانند در بر آورده ساختن منظور اصلی و آینده سازی مملکت و مسائلی که باید از پیش پای ملت ایران برداشته شود مؤثر واقع بشوند هیچکدام بخودی خود واجد ارزش جداگانه ای نخواهد بود .

بنابراین آنچه مهم و قابل توجه و عنایت است سیاست ها و نقطه نظرهایی است که باید محتوای نهائی امور - فصول - برنامه و ارقام باشد یعنی ارقام بودجه مثل رودخانه بزرگ و پیرانی است که هر قطره از آب آن یک مأموریت خاص برعهده دارد که در کانالها تقسیم بشود و پای هر نهائی و بوته ای برسد و مجموعه این نهالها و بوته ها بتواند فضای مطلوب و دلپذیری را فراهم بسازد .

تفریح بودجه یکی از مسائل بااهیتی است که بهنگام طرح بودجه توجه به آن کمال ضرورت را دارد تفریح بودجه یعنی فارغ شدن و رها شدن و در واقع به معنای تصفیه حساب نهائی و راحت شدن خیال از بودجه ای است که قبلاً نمایندگان ملت آنرا تصویب کرده اند .

در اولین سال که درباره بودجه صحبت کردم به این نکته اشاره شد که هزینه ها و عملیات انجام گرفته برحسب ارقام و اقلام بودجه بایستی با سه شاخص جداگانه مورد سنجش و ارزشیابی قرار بگیرد . زیرا بودجه برحسب ارقام ریالی معیاری است که پیشرفت برنامه ها و عملیات با آن مورد سنجش قرار میگیرد و براین اساس خط مشی عملیات آینده را روئین می سازیم این سه شاخص به ترتیب عبارتند از : شاخص مصرف ریالی بودجه -

شاخص زمان بندی و شاخص پیشرفت عملیات اجرائی که هر سه شاخص باید باهم مورد بررسی و سنجش قرار بگیرد که یکی از ارکان و مبانی امر نظارت ملی است .

جای خوشوقتی است که در یکی دو سال اخیر بموجب فرمان شاهنشاهی برای نظارت در پیشرفت برنامه های مملکتی کمیسیون شاهنشاهی تشکیل شده که البته می تواند در امر نظارت ملی نمایندگان ملت به سر دخل و خرج و پیشرفت کلیه برنامه های مملکتی اعم از جاری و یا سرمایه گذاری های ثابت که وظیفه مهم مجلس شورای ملی است سهم مؤثر و بسزائی داشته باشد .

که البته از نظر تقسیم مسئولیت ها بهتر است برنامه ها نه تنها برحسب موضوع بلکه برحسب مناطق و حوزة های جغرافیائی مملکت هم فهرست بندی بشود که کار کنترل

و رسیدگی و مشارکت نمایندگان ملت برآمر نظارت برنامه های جاری و سرمایه گذاری های ثابت اعم از ملی و با منطقه ای و یا طرح های خاص ناحیه ای روشن تر و مشخص تر باشد (صحیح است) .

با این ترتیب مسئله تفریح بودجه تأیید و صحت گذاشتن بر عملیات و کار کردی است که دستگاه مسئول و اجرائی مملکت در قالب بودجه های مصوبه بانجام رسانده و مانند تأیید ترازنامه و مفاصاحبایی است که از سوی هیئت عامله یک شرکت به مجمع عمومی داده میشود که در این جا بمقیاس وسیع تر در سطح مملکت این مفاصاحب و تفریح بودجه در پیشگاه نمایندگان ملت صورت میگیرد . با این ترتیب بخوبی می توان دریافت بهمان ترتیب که بودجه به عنوان برنامه ریزی سال آینده مملکت بحث بسیار مهم و اساسی است مسئله تفریح بودجه هم بهیچوجه از اهمیت کمتری برخوردار نیست بودجه هر سال باید بر مبنای عملکرد سال قبل تهیه و تنظیم گردد اگر قرار باشد در تفریح بودجه رسیدگی دقیق به عملیات انجام شده دولت در سال قبل نداشته باشیم مثلاً در مورد افزایش هزینه زندگی و یا میزان پیشرفت یا عدم پیشرفت برخی از امور و برنامه ها و طرح ها اگر رسیدگی کافی بعمل نیامده باشد چگونه و بر چه مبنائی خواهیم توانست ارقام سال بعدی را بطور منطقی و درست پیش بینی بنمائیم .

به همین مناسبت برای سالهای آینده عقیده دارم بهنگام تقدیم لایحه بودجه پیوست دیگری هم بر پایه پیشرفت امور جاری و عمرانی و سرمایه گذاری های ثابت در ۹ ماه اول سال اضافه شود و به مجلس شورای ملی ارائه گردد تا ضمن مقایسه عملیات و هزینه ها مبنای منطبق هر رقم و تغییرات هر عدد که در جدول بودجه انعکاس یافته است بتوانیم تجزیه و تحلیل بنمائیم .

جای بسی خوشوقتی است که نمایندگان مجلس شورای ملی بوظائف خطیر نظارت ملی خویش آشنا هستند در مباحث ۳ هفته ای که در جلسات کمیسیون بودجه صورت گرفت با وجود آنکه اینجانب عضویت کمیسیون بودجه را نداشتم مع الوصف بخوبی شاهد و ناظر دقت و موثکافی و احاطه همکاران ارجمند اعضای کمیسیون بودجه بودم که براسی بیانگر و الهام بخش فضای نظارت و مسئولیت ملی که جامعه ما به آن نیاز کامل دارد بود .

براسی من آرزو می کردم که مذاکرات کمیسیون بودجه بصورت مستقیم بوسیله رسانه ها پیش می شد تا نه تنها یکایک مسئولان و مجریان مملکتی بلکه دور افتاده ترین هم میهن ما که در کنار مرزهای مملکت زندگی می کند بخوبی

فضای نظارت و مسئولیت ملی و الزاماً فزاینده را که بسوی آن پیش میرویم بیش از پیش احساس نماید .

این فضای نیرومند نظارت و مسئولیت ملت سبب خواهد شد تا همگان بویژه مجریان درک نمایند که باید ضابطه ها جای رابطه ها را بگیرد و راه ترقی و پیشرفت جز در کار و عمل صادقانه و صمیمانه چیز دیگری نیست و توسل و تشبث اشخاص نا صالح و مسئولان نا آشنا به وظائف خطیر و مسئولیت های مملکتی روز بروز بیشتر رونق خود را از دست خواهد داد و این جریانات که حتماً باید در پیوند با عمل برای جامعه مشهود باشد درهای امید و اعتمادی را (که دشمنان ملت ایران برای از هم گسستن آن بسیار رنج بیهوده می کشند) بروی جامعه خواهد گشود و تیر دشمنان ملت ایران بسنگ خواهد خورد .

ملت ایران چه می خواهد ؟

ملت ایران در جهانی زندگی می کند که هیچ ملتی غمخوار و دایه دلسوز تر از مادر برای هیچ ملتی نیست هر ملتی که نخواهد این حقیقت را بشناسد پاک باخته تاریخ نام خواهد گرفت .

ملت ایران به شاهین بلند پروازی مانند است که جز ستیغ بلندبهای شکوهمند و بدو راز هرگونه پلیدی و آلودگی چیز دیگری به آواراش خاطر نمی بخشد .

ملت ایران به گلی شیشه است که می خواهد به حق خودش یعنی شکوفائی کامل و زیبایی خیره کننده و عطر دل انگیز برسد .

ملی نمی تواند ناظر بر این امر باشد که دستگاهانی با هزینه های کلان در پیشگاه این ملت وجود داشته باشد و آنگاه بجای هموار و هم آهنگ ساختن و برطرف نمودن مشکلات و موانع، خودپس مشکل و مانع و نااهم آهنکی خلق کند تا آنجا که به دستگاه نرزم کننده شهرت پیدا نماید.

گزارش های انتشار یافته از کمیسیون شاهنشاهی را مرور نمائیم همه جای ترتیبی و نااهم آهنکی وجود دارد - بدون بررسی های اولیه و پیش بینی محدودیت ها و نداشتن سازمان کافی جهت نظارت و سیستم گزارش گیری، عمده ترین علت عدم توفیق و ناکامی طرح و برنامه هائی بوده که بودجه آن در همین مجلس قبلا به تصویب رسیده و بدست مسئولان و مجریان مملکتی سپرده شده.

عدم واگذاری به موقع اعتبارات - ناهم آهنکی و عدم تفاهم بین دستگاه اجرائی و سازمان برنامه و بودجه - تأخیر در مبادله موافقت نامه با دستگاه اجرائی - گزارش پیشرفت کار و درصدها که صرفا ناظر به مبلغ اعتباری است که بمصرف رسیده و یا حداثر پیشرفت فیزیکی کار - نه آنچه از هدف های اصلی و مورد نظر انجام گرفته باشد - عدم مطالعه کافی در انتخاب مهندس مشاور (که این روزها چقدر برای دفاع از کارهای خودشان اعلامیه برانگیزی می نمایند) کاغذبازی و تأخیر در دادن یک پاسخ ساده ارقام نجومی و بی امان طرح ها که مرتب بالا می رود مانند پروژه مربوط به صنایع پتروشیمی ایران ژاپن که سرانجام حتی شرکت ژاپنی حاضر به افزایش اعتبار آن نشدند و باتوجه به مواد اولیه رایگان پتروشیمی که در اختیار ملت ایران هست معلوم نیست میزان سودآوری اینهمه سرمایه گذاری ها چه خواهد بود؟

اینها مسائل و موارد دردناک و آزاردهنده ایست که برآستی در این مرحله از حیات و حرکت جامعه ایرانی غیرقابل تحمل و پذیرش است.

از راه های روستائی که قرار بود ساخته شود تا بحال چقدر راه ساخته شده و آنچه که ساخته شده تا چه اندازه قابل بهره برداری و استفاده می باشد و اگر با همین شتاب و روند راههای روستائی پیشرفت داشته باشد ما به چند سال و چند برنامه عمرانی دیگر نیاز داریم تازه بفرص آنکه راه های ساخته شده هیچ گونه استهلاک و خرابی نداشته باشد؟

این راه های روستائی بجای خود راههای بازرگانی و اصلی که مرتب گزارش پیشرفت عملیات آنها مورد

بررسی قرار میگیرد مثل راه بوشهر و شیراز که قرار بوده است در برنامه سوم پیاپی برسد و هنوز هم که در اواخر برنامه پنجم هستیم پیاپی نرسیده و یا راه ارتباطی استان بوشهر به همزگان که سالهاست هم چنان نیمه تمام باقی مانده و یا راه بوشهر و بندر دیلم که همه از زاهدای اساسی و مورد نیاز مملکت می باشد چه نوع برنامه ریزی بوده که تا بحال هم چنان نیمه تمام مانده و اسباب مزاحمت و شکایت فراوان مردم را فراهم نموده است.

در تنگ بولنجات نرسیده به شیراز با خرج زیاد و هزینه های فراوان پل نرگسی را درست کردند بعد خراب شد بطوریکه قابل عبور برای کامیونهای حامل کالاها و بازرگانی که از بندر بوشهر خارج میشود نیست بعد در ته دره یک معبر درست کردند و گفتند کامیونها از این معبر عبور نمایند صرف نظر از آنکه این راه در موقع سیل و بارندگی غیر قابل استفاده می باشد. سؤالی مطرح می شود اگر این راه که فعلا در قعر دره درست شده قابل استفاده بود و می توانست احتیاجات ترافیک کالای بازرگانی را برآورده بسازد پس چرا پل درست کردند با آنهمه هزینه و صرف وقت و نیروی انسانی و اگر پل لازم بود پس چرا آن طوری درست کردند و محاسبات بجهت ترتیب بود؟ مهندس مشاور و پیمانکار چه کسانی بودند؟ و سوابق کارهای قبلی آنها چه بوده؟ که پل به این زودی غیر قابل استفاده بشود!

جاده بوشهر برازجان بعلت ترافیک سنگین بازرگانی و ارتباط مدام مسافری که برای ضرورت های روزمره بین دو شهر آمد و رفت می نمایند حوادث مرگبار فراوان دارد قرار است که تعریض بشود کی انجام خواهد گرفت؟ و چه برنامه و پیشرفتی وجود دارد؟

بهین ترتیب ملاحظه میشود که اکثر کارهای عمرانی و مورد نیاز مملکت یا نیمه تمام و ناقص رها شده و یا مورد توجه برنامه ریزان قرار نگرفته این بیانگر صمیمیت و صداقت نیست. (صحیح است)

در عوض سودجویان و مهندسی مشاور بدون رعایت امنیت بخاطر درصدها که خودشان داشتند طرح ها را هرچه دلشان خواست بزرگتر کردند بعد هم زمان آنرا نیز کش دادند.

کجای دلشان بحال مملکت و آینده و سرنوشت آن سوخته بود جز اینکه بگوئیم تنها به درآمد وجیب خودشان توجه داشته اند.

من در منطقه خود بلوک های سیمانی را که در ساختمانهای پیمانکاران بکار برده می شود از نزدیک

معاینه کردم به اندازه ایست و بدون مقاومت می باشد که زیر انگشت دست بودز می شود این بلوک های سست و بدون مقاومت را به مسئولان ارائه دادم، چرا چنین پیمانکارانی مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند؟ و مسئول ایمنی این ساختمانها که با چنان بلوک های سست و بدون رمق ساخته می شود چه دستگاهی است؟ در بخش اهرم رفتیم بمن گفتند پیمانکاران در اهرم برای لوله کشی آب رعایت مشخصات را نکردند و بجای آنکه برای مشخصات فنی لوله ها را روی نرمه ریزی کار نگذارند بهمان ترتیب روی قله سنگ های درشت و خشن کار گذاشتند که قابل تحویل نبود کوچک های همین شهر را با پول و اعتبارات مملکتی قرار بود بتون ریوی کنند اما بجای اینکار مخلوطی از خاک و کمی سیمان که روی آن پوشیده شد پروژه را تمام شده تلقی کردند و کوچک های اهرم در کوتاه ترین مدت دوباره بحال اول درآمد این چه گستاخی و بی پروائی است که این قبیل پیمانکاران دارند و چرا نظارت و مؤاخذه وجود نداشته باشد که بتوانند هم چنان در برنامه های دیگر عملیات خودشانرا تکرار بنمایند. (احسنت)

یک دانشسرای غول پیکر سالهاست در بوشهر در حال ساختمان آن هستند با همه نیازهایی که به وجود آن هست معلوم نیست کی باید تمام بشود تا بستان بمن گفتند ۱۶ میلیون تومان تا بحال خرج آن شده اما حتی مسئولان آموزش پرورش استان بوشهر هم بنام اینکه از طرح های ملی است در جریان پیشرفت کارهای آن نیستند که از نیروی فکری آنها استفاده بشود به من گفتند فقط جنبه های منفی آنرا به رخ ما میکشند به این عنوان که چون ساختمانی در دست احداث هست اجازه تعمیرات ساختمان فرسوده و موجود دانشسرای فعلی را هم نمیدهند. در بندر دیر بمن گفتند چنسال قبل برای ساختن بولوار ساحلی وزیرا کردن شهر خانه های مردم را خراب کردند که بعداً بولوار درست نمایند حالا چنسال است که مردم هم چنان بلا تکلیف مانده و بعد از خراب کردن خانه ها بولوار هم درست نشده و هم چنان شهر ناقص و زشت و نازیبانی مانده که از این بابت ناراضی و در شکفت هستند اگر قرار بوده که بولوار ساحلی ساخته نشود چرا هم آهنکی در برنامه ریزی نبود و خانه ها را بدون مطالعه خراب کردند اینکار را می گذاشتند برای موقعی که می خواستند بقیه کار را ادامه بدهند.

در همین بندر دیر بمن گفتند اسکله را درست کردند اما در دهانه اسکله چراغ راهنمایی دریائی نصب نکردند

تا سرانجام کشتی شیلات در اثر نبودن چراغ راهنما به گل نشست! بهرحال اگر برنامه ها درست و صادقانه تنظیم شده بودند تنگنا معنی و مفهوم نداشت و وقتی تنگنا وجود می آید حتماً عیبی وجود دارد این عیب را پیدا کنیم کجاست؟ باید بر کار مهندسی مشاور نظارت کرد آیا درست است که مرتب گفته شود بین مهندسین مشاور و پیمانکاران رابطه ای وجود دارد؟ و مردم دم خروس هارابه بیند؟ برنامه های غلط که بر اساس تقصیر ضرورت ها و نیازهای مملکت تنظیم نشده باشد عدم حواصه به موقع اعتبارات - و کوتاهی مجریان و نبودن نظام دقیق نظارت ملی که از اهمه مهمتر است از عوامل شکست و ناکامی برنامه هاست.

چهبخواب هائی برای درآمد های ایران که با چه زحمت ها و مقابله با چه مخاطرات عظیم و ضد استعماری بدست آمده می بیند که از دور می برد دل و نزدیک زهره را. شنیدم که یک سیستم مکنده حمل و نقل کالا با فشار قوی آب از طریق احداث کانالهای زیرزمینی از خرمشهر تا قم مورد بحث است که ساخته شود با چه قیمت های نجومی و باؤز نکردنی تازه ایکاش ما کشور صادراتی بودیم که خود را دلخوش می ساختیم که چنین تأسیسات عظیم و کم سابقه بخاطر صادراتی که از کشور ما خارج فرستاده میشود بوجود آمده.

یاب برنامه خرید ۵ میلیون نهال میوه از فرانسه که معلوم نیست تا چه اندازه با آب و هوای ایران سازگاری داشته باشد.

ویاسه میلیارد اجاره برای ماشین رانان که کمپیوتر برای جلوگیری از اشتباه نسخه نویسی پزشکان! که خودم دیدم خروارها دفترچه نسخه های سازمان تأمین خدمات درمانی جلودرب ورودی یکی از ایستگاهها در جوار خیابان پرتردد مدت ها هم چنان انباشته شده بود. (صحیح است).

در شهر ما یک پروژه توسعه تأسیسات بندری وجود دارد با شرایط مملکتی و سرمایه گذاریهای بزرگ در دیگر رشته های صنعتی بوشهر تبدیل به یکی از قطب های صنعتی مهم خواهد شد و الزامی است که باید بصورت بندری بزرگ و مجهز برای پهلو گرفتن کشتی های اقیانوس بیما درآید با توجه به اینکه در آینده حمل کالا های وارداتی از صورت فعلی خارج شده و بصورت کانتینر (محفظه فلزی) صورت خواهد گرفت احتیاج به منطقه وسیعی برای عملیات بندری وجود دارد پروژه ای که فعلاً مهندسین مشاور روی آن کار مینمایند پروژه ای است که جدا کثرت

و تا عمارت تخریب نالارا خواهد داشت مضافاً بر اینکه باعث خرابی بسیاری از خانه‌های شهری خواهد شد و ترافیک شهری را هم بعلت آلودگی نامیونهای سنگین و ترابرها بسیار آشفته خواهد ساخت و از لحاظ الزامات ایمنی هم کار درستی نیست و چون عیبهات توسعه درجهت امتداد محل‌های مسکونی خانه‌های شهری است صرفنظر از هزینه‌ای که بابت خراب کردن خانه‌ها صورت خواهد گرفت بجز آن مسکن بیشتری را هم باعث خواهد گردید.

اما در عوض عده‌ای از صاحبان عیله‌ها و حتی دفتر برنامه و بودجه استان بوشهر اعتقاد دارند که توسعه تأسیسات بندری را در امتداد و جهت دیگری غیر از آنچه مهندس مشاور بیان نموده صورت بگیرد که مزایای بدین شرح دارد نیازی به خریداری زمین وجود ندارد چون مساحتی در حدود ۳ کیلومتر مربع تمام اراضی دولتی است که رانگان تمام میشود باعث بی‌خانمانی و خراب کردن خانه‌های کسی هم نخواهد شد و زبانی را متوجه کسی نمی‌سازد.

از نظر ترافیک و ایمنی هم این طرح چون در امتداد جاده خارج از شهر می‌باشد هیچگونه مشکلی نخواهد داشت و از نظر آب هم شرانده‌سینی و در حدود ۵ متر عمق دارد که با توجه به آبگیر کمانال فعلی که در حدود ۸/۵ متر است هزینه کمتری برای لایروبی خواهد داشت.

مطالبی که بیان گردید بخشی از گزارشی است که دفتر برنامه و بودجه بوشهر قبلاً در این زمینه تدارک دیده است اما من میدانم با همه اینها اضرار مهندسین مشاور (که برای نمونه عرض میکنم) برچه پایه و اساسی استوار است که این کار را تا این اندازه کش میدهند؟ این نوع برنامه ریزی‌های حاصل و ولخرجی‌های زبان بخش و دوباره کاویها بلکه چند باره کاریها از خزانه عمومی بیت‌المال است که تورم را بوجود می‌آورد که آنوقت فکر مبارزه با تورم می‌انیم درحالیکه بهترین راه برای مبارزه با تورم آنستکه از عوامل تورم زا برهیز داشته باشیم.

ولخرجی هرگز ایجاد تشخیص نمی‌نماید بلکه بیانگر حقارت و نوکیستی است من فکر نمی‌کنم این فرمول درست باشد که مبارزه با تورم بصورت قاطع همیشه با زکود همراه باشد در اقتصاد ایران که قسمت اعظم درآمد ملی از عایدات منابع نفتی تأمین می‌شود می‌توان بدون ترس و هراس با برنامه ریزی زبان بندی شده ضربت قطعی به عامل تورم وارد ساخت و در جوانی که

مثل سرطان در اقتصاد ملی ما زرخه کرده‌اند و لوس و بد عادت شده‌اند باید تکلیف خودشان را بدانند و رونقی که از تجاوز به حقوق جامعه سرچشمه بگیرد و شکاف در یکپارچگی ملی را باعث شود عدمش به زوجه (صحیح است). ما نمی‌خواهیم مثل کبک سرخود را میان برف فرو ببریم و با آرام و دفاتر قطور خود را دلخوش بسازیم.

منطق صراحت و صداقت حکم می‌کند که ما همه نقاط قوت و ضعف جامعه خود ما را کاملاً آگاه باشیم شاهنشاه مغرورمانند.

ممکن است این واقعیت‌ها همیشه مطلوب نباشد ولی ناگفته ماندن آنها مسلماً نامطلوب‌تر است آسان گرفتن کاری که آسان نیست محکوم ساختن آن به شکست است.

رابطه‌ای وجود دارد بین آنچه که می‌خواهیم و آنچه را که بدست می‌آوریم این رابطه کاملاً در ارتباط مستقیم است با تواناییهای ملی یعنی هرچه ظرفیت تواناییهای ملی ما افزون‌تر باشد آنچه را که بدست می‌آوریم ارزنده‌تر و بهتر و بیشتر خواهد بود و بالعکس هر اندازه که سطح تواناییهای علمی ما کاهش داشته باشد بهمان اندازه هم دست آوردهای ملی ما هم در سطح نازل تری قرار خواهد گرفت.

آیا براستی می‌توانیم از آرزوها و آرمانها و خواست‌های سیرافزایی بخش ملت و جامعه خود چشم‌پوشیم؟ هیچ ایرانی بخود اجازه نخواهد داد که نسبت به ساختن آینده بی‌تفاوت بماند و اگر این نسل نتواند این افتخار را بدست بیاورد من اطمینان دارم که نسل دیگر این افتخار را بدست خواهد آورد.

پس چون نمی‌توانیم هرگز چشم از آرمانها و آرزوها و هدف‌های ملی بی‌پوشیم جز افزایش ظرفیت تواناییهای ملی خود راهی نداریم. تنها با اتکاء به نیروی درون ذاتی و ارتقاء پیششیدن به ظرفیت تواناییهای ملی خواهیم توانست به هدف‌های ملی خود برسیم. تواناییهای ملی بیش از آنکه جنبه مادی و یا فیزیکی داشته باشد دارای یک عامل غیرقابل سنجش با ابزار مادی است که در روی جلوه‌های مادی و فیزیکی اثر می‌گذارد که اگر جلوه‌های مرئی و مادی و فیزیکی فاقد و خالی از این روح ناچرئی تواناییها باشد به پیشزی نخواهد ارزید. خصلت میهن پرستی پایه و اساس روح این تواناییهاست - نه تنها برای انسان بلکه در تمام عالم هستی این خصلت میهن پرستی - یعنی نیروی حیاتی در نبرد زندگی برای

پاسداری از موجودیت و شکوفائی به نوعی و شکلی جلوه‌گر است.

حتی اگر یک بذر کوچک را در دل خاک نشزیر خوارها بیخ و یرف زمستان تصور کنیم که چگونه می‌باید و زمستان را پشت سر بینگذارد و بهاران را پیشواز می‌نماید.

همین عشق به وجود و عسی و یونانی خستگی ناپذیر که سرانجام رسالت و تکوینی خودش را به نفع و برساند و از درون یک بذر سیمای راستین یک بوته گل با هر گیاه بقشور می‌رسد جلوه‌های است از همین نیروی حیاتی که در

انسان به این جلوه توانائیهای ملی میهن پرستی می‌گوئیم در همه جای زندگی این موضوع وجود دارد زیرا هر موجودی نیاز به نیروی توانائی برای پاسداری از خودش دارد و اگر چنین خصلت نداشته باشد موجودیتی نخواهد بود که در باره آن چیزی گفته شود در باره انسان هم، هر انسانی بی‌گفتگوی یوننده یک جامعه ملی دارد، آنچه را که یک جامعه ملی نیرومند و توانا می‌سازد همین مجموعه خصلت‌های میهن پرستی است که می‌تواند در برابر حوادث پیشمار به ایستد و عکس العمل مناسب نشان بدهد و نشیب‌ها را بفرز آورد.

هویت ملی و ارزش‌های ملی و فرهنگ ملی از پایه‌های اساسی این خصلت میهن پرستی است هر جامعه برای آنکه بتواند موجودیت خودش را حفظ کند باید بتواند این ارزش‌های ملی و فرهنگی خودش را پاس بدارد.

اگر جامعه‌ای از انجام این کار برنیاید مجذوب جامعه ملی دیگری خواهد شد و از نیروی کار و کوشش و خلاقیت و سازندگی او جامعه دیگری بهره خواهد گرفت که به چنین پدیده‌ای استعمار می‌گویند که امروزه اشکال و شیوه‌های گوناگون و رنگارنگ از چپ و راست، شمال و جنوب، شرق و غرب سرخ و سیاه وجود دارد و یک جامعه را به اسارت و بردگی جامعه دیگری می‌کشاند که همیشه استعمار طبیعت ضد آزادی دارد.

پس اگر یک جامعه خواهان آزادی و آزادگی است باید اول هویت ملی و ارزش‌های ملی و فرهنگی خودش را پاسداری کند.

زبان فارسی از عناصر سازنده و مهم هویت ملی و ارزش‌های فرهنگ ملی ماست این زبان در طول تاریخ در استحکام بانی وحدت و حفظ موجودیت و قومیت ملت‌ها نقش مؤثر و بسزائی داشته حامل فلسفه، اندیشه، طرز فکر و ذخائر بیکران فرهنگی ملت است، زبان فارسی جان ملت ایران است زبان فارسی دارای چنان قدرتی است که

ریشه‌های آنرا در اکثر زبان‌های جهان می‌توانیم ردیابی کنیم این زبان دارای چنان عظمت و بزرگی است که آن بدون اشکال می‌توانیم به مفاهیم و اصطلاحات جدید دست یابی داشته باشیم.

دشمنان ملت ایران این زبان را همیشه سنگ راه مقاصد خود میدانند و از این رو کینه‌توزانه برای بیکار چوئی یا آن به سبزی می‌برند ما باید این چیزها را بداییم و زبان فارسی را نه تنها در درون مرزهای

سیاسی بلکه در محدوده مرزهای بزرگتر فرهنگی نیرومندتر بسازیم باشد که همین زبان نه تنها در درون مرزها بلکه در محدوده بیرون مرزی هم عامل پیوستگی و یکپارچگی دل‌ها و اندیشه‌ها ذوق‌ها و سلیقه‌ها باشد اینستکه وابسته‌های فرهنگی مادر قشور و مرزهای گسترده‌تر زبان پارسی باید نقش‌های بسی فعال تر و سازنده‌تر بر عهده داشته باشند.

ارزش‌های دیگر ملی و فرهنگی و معنوی وجود دارد که روح توانائیهای ملی را می‌سازد این ارزش‌ها تنها شعارهای زیبا نیستند بلکه روی ساخت و نسج جامعه اثر می‌گذارند.

مثلاً وقتی در اعمال و کردار و رفتار اشخاص انگیزه‌ها را مورد بررسی قرار میدهم به دو برداشت متفاوت که از دو ارزش جداگانه سرچشمه می‌گیرد برخورد می‌نمایم گروهی انگیزه‌های رفتاری و کرداری آنها دادوستدی و با اصطلاح متداول (اقتصادی بودن) میباشد و گروهی انگیزه‌های رفتاری و کرداری آنها ماهیتی است از گروه اول حتی ممکن است کسی کار خوب انجام بدهد اما باجه انگیزه‌ای؟ او فکر میکند که اگر عمل خلاف انجام بدهد جریمه و مجازات میشود بنابراین اگر احساس کرد شرایطی وجود دارد که کسی عمل او را نمیتواند کنترل نماید و یا اوضاع آشفته و گل‌آلود هست کار بد خودش را انجام میدهد و با اصطلاح از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرد چون مسئله برای او از دیدگاه ماهیت مطرح نمیشود - احساس ناراحتی وجدان برای چنین تفکری وجود ندارد چون برای چنین تفکری وجدان یعنی پول و منفعت و سود قابل لمس و محسوسه! و خودمان احساس کنیم که چنین برداشت و بنیاد فکری در جامعه چه فساد و بی‌ترتیبی و اختلالی را سبب خواهد شد اما گروه دیگر که انگیزه‌های کرداری و رفتاری آنان برداشت ماهیتی دارد اینها عمل خوب را که انجام میدهند و یا از عمل بدم که برهیز می‌نمایند بخاطر آن نیست که او را میبینند یا نمی‌بینند به او پاداش

میدهند یا نمیدهند بلکه به آن دلیل کار خوب را انجام میدهند که در ذات و ماهیت آنها پذیرفته و به آن اعتقاد و ایمان دارند.

سرچشمه ایمان - اعتقاد - دین داری - تقوی و فضیلت این برداشت فکری ماهیتی در برابر برداشت فکری خدا و سندی است.

بی اعتقادی - بی ایمانی - خداشناسی - لجاجت - تکبر - تجاوز کاری - ویرانگری - استعمار و استثمار و هر ردالتی که فکرش را بکنیم از یک بنیاد فکری سرچشمه میگیرد که در آن انگیزه ها دادوستدی است.

اگر امروز در زمینه های ملموس و محسوس در زندگی اجتماعی - اقتصادی خود شکایت و ناراضی داریم ریشه هایش در همین بنیادهای فکری است که حتی اگر با سوء نیت هم همراه نباشد اثرات آن زیانبار و منفی است چه رسد به آنکه اگر از سوء نیت هم مایه گرفته باشد. ملاحظه بفرمایید در برابر این مسائل چگونه برداشت میشود.

برق به روستا برسانیم؟ مدرسه درست کنیم؟ اقتصادی است یا غیر اقتصادی؟ گندم بکاریم یا وارد بسازیم؟ گوشت را در داخل مملکت تولید کنیم یا وارد بسازیم؟ کدام یک با صرفه تر هستند؟ نوجوان و کارگر ایران را آموزش بدهیم و به مهارت عالی برسانیم یا کارگر خارجی را استخدام کنیم کدام با صرفه تر است؟

تشکیل خانواده و قبول مسئولیت آن با صرفه تر است یا شانه خالی کردن از زیر بار پذیرش مسئولیت خانوادگی؟

باد و برداشت متفاوت که قبلاً اشاره کردم پاسخ هارا بپاهوی هم بگذارید و بعد فکر کنیم جهانی که ما امروز در آن زندگی می کنیم با چه برداشتهائی توانست امروز بما برسد و در آینده هم کدام برداشت ها خواهد توانست این هستی را بدست آیندگان تحویل دهد.

روح تواناییها - میهن پرستی - یعنی مجموعه آن برداشتهائی که توانست ضامن بقاء و موجودیت جامعه ای باشد که ما امروز بصورت یک جزء از آن وجود داریم اگر ما این موجودیت را استوارتر بسازیم در راه میهن پرستی کام گذاشته ایم و اگر موجودیت را متزلزل بسازیم در عکس آن جهت کوشیده ایم (احسن).

اگر بخواهیم روی ویژگی های ارزش های ملی و فرهنگی ملت ایران سخن بگوئیم مطلب خیلی وسیع و برداشته خواهد شد تنها به ذکر این نکته اکتفا میکنم که ارزش های فرهنگی و ملی مانند یک ایسم در ارتباط با

یکدیگر میباشد و در برابر هراسمی میتواند بایستد و جواب گو باشد.

بخوبی روشن است جامعه ای با چنین ارزش های ملی و معنوی که از دیرگاه گفتار - کردار و پندارنیک راهنا و سرسشق آن بوده است احساس یکبار چگی کامل و آزادی به معنی و مفهوم واقعی خواهد داشت زیر مفهوم آزادی این است

که یک عضو بتواند نقش وجودی و یا فونکسیون - کار ویژه یا رسالت خودش را به انجام برساند مثلاً ربه و یا قلب و با هر کدام از اعضا و اندام های بدن ما هنگامی آزاد هستند که بتوانند کار و نقش و رسالت و وظیفه خودشانرا انجام بدهند و اگر بهر دلیل عضوی نتوانست کار و نقش وجودی و وظیفه خودش را به انجام برساند باید به دنبال یک عامل یا عواملی که مانع آزادی عمل اوشده اند در جستجو باشیم جامعه هم چنین است و جامعه ملی موقعی که به رسالت تاریخی و وظیفه و نیاز ملی خودش آگاه باشد و به آن عمل نماید معنی و مفهومش این است که افراد آن ملت همه آزاد هستند و در غیر اینصورت یعنی اگر ملتی به رسالت تاریخی خودش آگاهی نداشته باشد عکس آن صادق است.

دفاع ملی از همین خصلت میهن پرستی از همین ارزش های ملی و ویژگی های فرهنگی الهام میگردد و منطق آن هرگز منطق مادی و دادوستدی نیست.

وقتی یک میکرب، یک عامل بیماری را وارد بدن میشود خواه وارد بدن ثروتمند و خواه وارد بدن مستمند بشود سلولهای بدن کار خودشانرا مینمایند و دشمن مودی را از وجود و بیکری که به آن وابسته هستند میرانند دیگر سیر و گرسنه خوب و بد، زشت و زیبا ندارد.

رابطه در این جا مادر و فرزندی است که اهمیت و عظمت آن در این است که در آن حریم این حرف هاراه ندارد منطق میهن پرستی خودش دلیل خودش است.

باشیر اندرون شد و باجان بدر رود (احسن).

اتحاد ملی چنین مشارکت بزرگ هنگامی در ساخت آینده است یعنی مشارکت ملی در هر سطح چه در سطح ساخت سیاست ها و شناخت ضابطه ها - چه در سطح قبول مسئولیت ها و انجام نظارت های ملی و چه یافتن و سازمان دادن به سازنده های بهتر برای آنکه ساخته شده های بهتری برای آینده بوجود بیاید.

چنین جامعه ای روی شکست و ناکامی را بخود نخواهد دید و همیشه دشمنانش ناکام و نامراد خواهند بود اما دشمنان هم برای خودشان یک فلسفه و جودی

دارند فلسفه وجودی دشمنان ملت ها استعمار و استثمار و بهره کشی از ثمره کار و کوشش دیگران است. در این فلسفه و انگیزه وجودی هیچکدام از استعمارگران و غارتگران بین المللی و دشمنان ملت ها باهم تفاوت و اختلافی ندارند.

اگر اختلافی داشته باشند بر سر تقسیم غنیمت ها و غارتگری هاست و هرگاه رخنه و شکافی در نسج اتحاد ملی برای دست درازی دزدان و غارتگران و استعمارگران وجود نداشته باشد موجبی هم برای نفوذ استعمار از هر رنگ که فکرش را بکنیم وجود نخواهد داشت.

عدالت اجتماعی - توزیع عادلانه درآمدها و ثروت ملی این نسج را مستحکم تر و رخنه ناپذیرتر می سازد. اما استعمارگران هرگز بیکار نخواهند نشست و کوشش خواهند نمود که شکاف و رخنه ای بوجود بیاید پس هر جا نشانی از بی عدالتی اجتماعی و عدم توزیع عادلانه درآمد ملی و استثمار و بهره کشی انسان ها را از انسانها پیدا نمائیم باید ردیابی استعمار را هم جستجو نمائیم و برای مبارزه با استعمار نه دشنام لازم است و نه قیل و قال زیرا تنها پر کردن شکاف ها و رخنه ها بوسیله عدالت اجتماعی و توزیع درآمد ملی است که جامعه را برای مقابله با استعمار یکپارچه و نیرومندی سازد. و این تنها راه مبارزه اساسی با هر نوع و رنگ و شکل استعمار است. در حاشیه این موضوع اشاره می کنم این مأموریت عظیم و رسالت بزرگ برعهده همه افراد و دستگاههای مملکتی است اما رسانه ها صرف نظر از مسئله محتوا که جنبه اساسی و اصلی است از نظر فیزیکی هم سهم ویژه در ابلاغ پیام های ملت ایران در همه جا چه در داخل کشور برای

سیخ همه نیروهای مادی و معنوی ملت ایران و چه در جهان ملت ها برای شناساندن حقانیت خواست ها و آرزوهای ملت ایران برعهده دارند اما از نظر فیزیکی صدای ایران و تصویر ایران در بنادر جنوب ایران دیده نمی شود من هر وقت برای بازدید به روستاهای ساحلی میروم با وجود آنکه رادیو کوچک ترانزیستوری را با خودم همراه دارم با نهایت علاقه ای که دارم صدای ایران را نمی شنوم و از دریافت اخبار و آگاهی های مملکتی بی بهره می مانم در کنگان مردم میگویند آرزو داریم روی تلویزیون تصویر اعلیحضرت را به بینیم اما فقط هرگاه تلویزیونهای فرستنده عربی آنسوی خلیج فارس تصویر اعلیحضرت را نشان بدهد ما می توانیم به آرزوی خودمان برسیم در برابر پروژه های سنگین و پرهزینه که از طریق سادلات ماهواره ای بین قاره ای صورت میگیرد

و تکمیل شبکه مخابرات راه دور که بسادگی هر کس می تواند با هر جای دنیا در تماس باشد به این چیزها هم توجه کنیم. سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران از بودجه عمومی تغذیه می نماید باید بدنبال برنامه هائی برود که ناظر بر احساس مسئولیت و آموزش ملی و پرورش خصوصاً نسل جوان و آینده سازان فردای میهن باشد. هر برنامه و نمایش سازمان رادیو تلویزیون ملی باید در ارتباط با آموزش ملی و پرورش خصلت ها و سجایای اصیل ایرانی، تحکیم مبانی وحدت و قومیت ملی، و آگاه ساختن هر چه بیشتر گروه گروه مردم این مملکت به درك رسالت ها و مسئولیت های خطیر تاریخی و اجتماعی ملت ما باشد نه برنامه های بدون حاصل و احياناً گمراه کننده. سینما و روزنامه ها هم بدون مسئولیت نیستند همه باید در پیشرفت آموزش مفاهیم و مسائل شایسته اجتماعی دست بدهت هم بدهند و طبعیت ها و خصوصیات سازنده را استحکام و نیرومندی بخشند. زمان و فرصت ما پایان ناپذیر و نامحدود نیست ما از هر عاملی باید بتوانیم حداکثر استفاده را برای رسیدن به هدف های بزرگ خود بنمائیم در این جا به نکته ای اشاره میکنم که سیستم های گیرنده مرغوب و ارزان قیمت و سرویس خدماتی آسان و ارزان برای بهره برداری روستاها و استفاده از صدا و تصویر ایران امر لازمی است که امید است برای استفاده از گسترش و پوشش هر چه بیشتر تصویر و صدای ایران مورد توجه قرار بگیرد.

سازمان های مسئول هنری و فرهنگی دیگر مملکت هم در این باره باید احساس مسئولیت داشته باشند. هر برنامه جشن هنر که از پول و بودجه و اعتبارات مملکت تشکیل می شود حامل یک پیامی برای جامعه است باید در سیاست های خودمان تجدید نظر کنیم ملت ایران در طلب یک چیزی است و بسوی آینده ای حرکت می نماید بازتاب این خواست و این حرکت باید در برنامه های جشن هنر این مملکت انعکاس پیدا کند و باین ترتیب هر کسی بخوبی احساس خواهد کرد که مملکت در چه مسیری حرکت می نماید.

هم چنین وزارت اطلاعات و جهانگردی هم برای ایرانیان چه در داخل و چه در خارج کشور نقش هدایت کننده دارد بی مناسبت نیست بگویم جهانگردی در ایران هنوز مورد توجه قرار نگرفته باید فلسفه جهانگردی ملی از فلسفه پول سازی جدا بشود اگر جاذبه و تسهیلات کافی جهانگردی در ایران بوجود بیاید همگان خواهند

توانست با شرایط مناسب و ارزان از آن بهره بگیرند و امتحان به گروه‌های معدود و تخریب که معلوم نیست درآمدی کلان خودشان را از لدام طریق فراهم می‌آورند پیدا نخواهد کرد اول جلوی خروج ارزهای فراوان را بگیریم بعد در فکر جلب ارز از طریق توریست باشیم. مثل سازی به انکاء بخش خصوصی به جای خود ما یا شتابی سود سالم و معتدل نسودهای کلان که تأمین آن برای همگان میسر نباشد مخصوصاً جوانان این مملکت و خانواده‌های شرافتمند ایرانی باید بتوانند با درآمد‌های عادی خودشان از این هتل‌ها و تالاسیات بهره بگیرند و بی هنگامی که تشریت جامعه توان مالی برداخت این قبیل هزینه‌ها را نداشته باشند برای تحکیم مبانی وحدت ملی و یکپارچگی جهاننگاری می‌توان داشت؟ نه ارزان بودن تأسیسات جهانگردی هم به روح تقاضا و یکپارچگی ملی کمک خواهد کرد و هم بحقیق وسیع‌تر هر ایرانی با قسمت‌های مختلف مملکت آشنا خواهد شد و صحنه‌های تاریخی را از نزدیک بررسی خواهد کرد و هم مانع جهانگردی و خروج بی‌رویه ارز در خارج از کشور خواهد شد. خوشبختانه حاذبه جهانگردی در ایران در تمام فصول وجود دارد و جهانگردان خارجی هم بشرط وجود تأسیسات مناسب و وجود برنامه منظمه تنها خواهند توانست به ایران بیایند بلکه با آشنائی بیشتر با فرهنگ ایران زمین هر کدام در موقع مراجعت به سرزمین خود سفیر حسنیت این مملکت بشمار خواهند رفت و بخودی خود بسیاری از غیرنگ‌ها و توطئه‌های دشمنان ملت ایران بی‌اتروفتش برآب خواهد گردید در این جا به نکته دیگری اشاره می‌کنم که تشریحات ایران آنطور که باید در اختیار ایرانیان خارج از کشور قرار نمی‌گیرد و باید ترتیبی داده شود که ایرانیان خارج از مملکت بتوانند با سهولت از روزنامه‌ها و نشریات مملکت استفاده بنمایند تا پیوند متداوم و مستمر آنان با آنچه که در ایران میگردد و به این سرزمین تعلق دارد همیشه استوار و پابرجا باشد و در برابر رخنه و نفوذ دشمنان ملت ایران همیشه آسیب‌ناپذیر باشد و استعمار تیرش به سنگ بخورد.

اما تنها موضع دفاعی هدف مبارزه با استعمار نیست ما باید پیش برویم و بتوانیم از همه مواهب و استعدادها و ثروت‌های خداداد مملکت خود استفاده نماییم و بزرگترین نیروی که ملت ما در اختیار دارد نیروی انسانی است که خلاق و سازنده و بوجود آورنده همه نیروهای دیگر است در حال حاضر بیشترین انکاء درآمد ملی ما وابسته به منابع پایان پذیر نفتی است این منابع بطوریکه

محاسبه نشان میدهد تا چندسال دیگر به پایان خواهد رسید علاوه بر این جمعیت مملکت ما هم حتماً رو به افزایش خواهد گذاشت و سطح زندگی مردم هم سال سال با یستی بوتر بشود بنابراین ناچندسال دیگر که به پایان رسیدن منابع نفتی ما باقی مانده ما باید بتوانیم با انکاء به نیروی کار و کوشش خلاق و سازنده ملی یک چنین منبع درآمدی که بتواند جایگزین درآمدهای نفتی ما بشود بوجود بیاوریم که با نرخ‌های فعلی چندین مرتبه بیشتر از منابع ارزی که فعلاً از بابت نفت بدست می‌آوریم باشد یعنی سال به سال از انکاء اقتصاد ملی خود به منابع پایان پذیر نفت بگاییم و در عوض به انکاء بودجه مملکتی به عوایدی که ناشی از نیروی کار و تولید خلاقه ملت ایران است بیافزاییم و در این راه به آمار و ارقام واقعی استناد بنماییم نه آمار و ارقام دلخوش کننده و غیرواقعی هم اکنون بسیاری از درآمدهای غیر نفتی صرف نظر از آنکه رقم آن در کل بودجه در سطح مورد انتظار نیست از منابعی است که بطور غیرمستقیم از منابع درآمد نفتی تغذیه می‌شود البته روند افزایشی انکاء به منابع درآمد غیرنفتی مایه خوشوقتی است اما اینکار نباید یا شیوه‌هایی صورت بگیرد که مغایر با اصل عدالت مالیاتی باشد.

شنیدم در سال ۲۰۳۰ برای گروهی از اصناف بزرگ تشخیص مسئله صادر گردیده که میزان آن با توجه به بزرگ تشخیص سال ۲۰۳۰ به وضع بسیار نامناسب بالا رفته حتی در بعضی موارد تا ۴۰۰ برابر افزایش یافته که نمونه‌هایی را درین جا ذکر می‌کنم. ۶۱۴ ریال مالیات سال ۲۰۳۰ سال بعد ۱۴۹۰/۰۰۰ ریال ۸۰ تومان سال ۲۰۳۰ سال بعد ۴۷ هزار تومان ۵۴ تومان سال بعد ۴ هزار تومان ۱۰۰ تومان سال بعد ۹۷ هزار تومان ۳۴ تومان سال بعد ۳۰ هزار تومان شنیدم که طبق دستور جناب نخست‌وزیر در این باره دستوراتی صادر شده ولی هنوز نتیجه‌ای بدست نیامده چه ضابطه‌ای در کار بوده که در عرض یکسال فاصله سال ۲۰۳۰ تا ۲۰۳۱ با این وضع ناگهانی مالیات متعلقه به گروهی این اندازه افزایش پیدا نموده و آیا یک چنین افزایش ناگهانی مانع کار و کسب و پیشه اشخاص نخواهد شد یک نفر مؤدی بیان می‌داشت برابر قانون باید دفتر مالیاتی داشته باشم و سعی می‌کنم تا همیشه دفتر مالیاتی من بدون عیب و نقص باشد ولی همیشه در کار من یک ایراد میگیرند و دفتر را قبول نمی‌نمایند و من سعی می‌کنم آن ایراد کوچک را هم از من بردارم که موردی برای مردود

ساختن دفتر درآمد و هزینه مالیاتی وجود نداشته باشد امسال هم دوباره دفتر مرا قبول نکردند وقتی علت را سؤال کردم بمن جواب دادند چون هزینه برداختی آب و برق را که به بانک داده بودی در روز تعطیل وارد دفتر کرده بودی بهمین دلیل دفتر شما را قبول نکردیم به این میگویند بهانه تراشی.

همین چیزهاست که مردم بی‌اعتقاد می‌شوند و قضاوت آنها بر این اساس می‌شود که تنها برای مالیات دادن بوجود آمده‌اند و این طرز فکر هم عکس العملی بوجود می‌آورد که بقر ترتیب راهی برای عدم برداخت و توسل و تشبث پیدا بکنند.

فلسفه مالیات در مملکت تنها اخذ درآمد برای دولت نیست این یکی از انگیزه‌های آتیبست که آنهم باید بر اساس عدالت اجتماعی و مالیاتی صورت بگیرد هدف‌های دیگری هم وجود دارد یکی از هدف‌های نظام مالیاتی هدف‌های بازدارنده است نسبت به رشته‌ها و مواردی که فعالیت اقتصادی نباید از حد معینی در آن رشته‌ها بیشتر تجاوز بنماید یکی دیگر از هدف‌های نظام مالیاتی نظام تشویق کننده است بر عکس نظام بازدارنده بر این اساس که ناظر بر تشویق فعالیت در رشته‌ای است که جامعه به فعالیت در آن زمینه نیاز بیشتری را احساس می‌کند.

هدف دیگری که از مکانیزم مالیاتی بدست می‌آید تأمین عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمد ملی است به این معنی که از محل عوائد مالیاتی دولت سرویس‌های مورد نیاز ضروری ارزان و مناسب با کیفیت‌های خوب و قابل توجه در اختیار جامعه میگردد تا اشخاصیکه درآمدهای کافی ندارند بتوانند از سرویس‌های ضروری رایگان و یا ارزان و مناسب و با کیفیت‌های خوب بهره بگیرند و ازین قبیل چیزها.

اما وقتی مردم احساس غیر از این بنمایند هم اعتقاد خودشانرا از دست میدهند و هم سرانجام بشکلی تلاش می‌نمایند که شانه از پرداخت یک وظیفه ملی خالی بنمایند.

شرکت‌های دولتی هم از حیث تأمین درآمد به خزانه مملکت و هم از بابت رعایت سیاست‌ها و توازن‌ها و ایجاد الگوی رقابت‌های سالم اقتصادی و قابل تقلید نقش و وظیفه برعهده دارند متأسفانه اکثرآ با سوءمدیریت نه تنها الگوی قابل تقلید رقابت سالم برای بخش خصوصی نیستند بلکه با همین انگیزه سوء مدیریت و زیان شرکت‌های دولتی - بخش خصوصی هم تجاوز و زیان

درازی بیشتری می‌کند و بر مشق نامطلوبی برای کم کاری و بدکاری بشمار می‌روند. چه هزینه‌های سرسام آور و تجملی و تشریفاتی که از کسبه خلیفه نمی‌بخشد و یا در برابر آنهم سرمایه‌گذاری که برای آنها صورت گرفته سودآوری آنها چیزی با زبان فاصله ندارد.

یک وظیفه بزرگ قوه مقننه نظارت بر دخل و خرج و هزینه و درآمد مملکت است بنام شرکت‌ها که هر کدام هیئت‌های مدیره و مجامع عمومی جداگانه دارند و با این ترتیب از کل بودجه مملکتی چه مبلغ قابل توجهی عملاً از نظارت نمایندگان ملت خارج است.

در قسمت دوم خلاصه بودجه می‌بینیم.

درآمد شرکت‌های دولتی ۳۴۸۰/۹ میلیارد ریال

هزینه شرکت‌های دولتی ۳۶۴۹/۳ میلیارد ریال با این ترتیب بخوبی می‌بینیم در مجموع شرکت‌های دولتی ۱۶۸/۴ میلیارد ریال زیان نشان میدهند.

یکی از این شرکت‌ها هواپیمائی ملی است که مرتب تمایل آنرا دارد تا کرایه بلیط هواپیما را بالا ببرد این یک ناهم‌آهنگی در تشبیت مداوم قیمت‌ها و اصل ۱۴ اعلام شده از سوی شاهنشاه است وقتی یک دستگاه وابسته به دولت نرخ‌ها را هر وقت و هر اندازه که دلش خواست بالا برد از دیگران و بخش خصوصی که مترصد فرصت و بهانه هستند چه انتقاری میتوان داشت؟

مردم شهر ماسیگویند هر وقت برای مسافرت و پرواز مراجعه بنماییم با بلیط نمیدهند میگویند صندلی‌ها پر است و ظرفیت تکمیل شده اما من از هواپیمائی ملی سؤال میکنم که چرا به برنامه پروازهای خود نمی‌افزاید پاسخ میدهند. هرصد از صندلی‌ها با آمار نشان میدهد که خالی است و حرف مردم اساس ندارد!

اما خود شاهد عینی هستیم که مردم حرفشان درست و به قاعده است.

شرکت هواپیمائی قبلان نمیداند که مثلاً در فرودگاه بوشهر چند نفر باید پیاده بشوند که جای آنها را به مشتریان جدید بدهد به مسافران میگوید چمدان بدست در فرودگاه حاضر بشوید شاید جایی برای شما پیدا بشود! طبعاً رغبتی برای مسافرت اینطوری بوجود نمی‌آید و مسافران از مسافرت منصرف میشوند بعد هواپیما با همان ۳ درصد صندلی خالی که خودشان گفتند پرواز میکنند تاوان این عدم استفاده از ظرفیت صندلی‌ها و ایجاد ضایعات بهدر رفته را مردم باید با گران تر شدن بلیط بپردازند (صحیح است).

همین شرکت وسیله رفاهی در سالن فرودگاه برای مسافری فراهم ساخته بعضی اوقات مسافری بن مراجعه می کنند و من خجالت می کشم در گرمای طاقت فرسای تابستان در یک سالن کوچک صدها مسافر در فضای تنگ باور کنید چسبیده بهم ناچار هستند مدت ها در انتظار بمانند عرق بریزند و هیچ وسیله تهویه ای هم در آن هوای گرم وجود ندارد.

به شرکت دیگری توجه کنیم که بر حسب فاعله از شرکت های برادره مملکت میباشد شرکت سهامی دخانیات ایران اول به بنیم این شرکت چه توانایی دارد. اجرای قانون انحصار دخانیات - نظارت در اجرای قانون انحصار کبریت - مباشرت به کلیه عملیات کشت صنعت و بازرگانی مواد دخانیه.

دوباره کبریت ها که روز بروز نامرغوب تر میشود چه بگویم که چگونه نظارتی را عمل مینمایند؟ اما دوباره بیگلو بگویم رفته رفته سیگار خارجی جایگزین سیگار ایرانی میشود.

در برنامه ساخت، صفحه ۸۳ پیوست شماره ۳ لایحه بودجه کل کشور واردات سیگار خارجی به ۱ میلیارد عدد افزایش می یابد در عوض برنامه ساخت سیگارهای ایرانی بیش از ۳ میلیارد کمتر از سال جاری کاهش میابد بهمین انگیزه در برنامه های کشاورزی این شرکت ۱۵۰۰ هکتار از سطح زیر کشت توتون کاسته شده که در برابر آن ۲۵۷ تن خرید توتون خارجی افزایش داده شده که البته به این عمل شرکت دخانیات میگویند مونتاژ سیگار! اگر من اینها را میگویم، بر حسب تصادف است و خوشبختانه مصرف کننده دخانیات نیستم.

خرید توتون برای سیگار و نیستون در سال ۳۵ جمعا ۹۶۰ تن بوده در سال ۳۶ به ۳۶۰۰ تن افزایش داده شده و برای سال آینده ۴۵۳۷ به ۶۱۷۰ تن خواهد رسید! این است مفهوم رشد برای شرکت های دولتی که اشاره شد ۶۸/۴ میلیارد ریال زبان آنها در بودجه کل کشور انعکاس دارد که دوباره واردات سیگار خارجی بگویم حرام، اندر حرام، اندر حرام است. نه تنها این شرکت بلکه بسیاری از مؤسسات و سازمانهای مملکتی که کار اصلی آنها در مزارع و روستاهاست اتومبیل هایشان مرتب سطح خیابانهای تهران را اشغال می کند خدا میداند اگر یک آبار برداری بشود به چه نتیجه ای خواهیم رسید و در خواهیم یافت که چند درصد قابل توجهی از ترافیک آشفته پایتخت مربوط به همین دستگاهها و سازمانهای است که بجای آنکه در روستاها و شهرهای مملکت انجام

وظیفه بنمایند به عنوان گوناگون به تهران بیایند و با رها کردن وظایف اصلی بجای تولید در مزارع و بالاتر بودن کیفیت محصولات بفکر خرید از خارجه می افتند.

قبلا عرض کردم تنها تاسمین درآمد هدف شرکت های دولتی نیست بلکه این شرکتها وظایف دیگری مهم تراز تاسمین درآمد دارند یکی از این شرکتها شرکت سهامی شیلات جنوب ایران است که از وظایفش کمک به ایجاد اشتغال برای ساکنین مناطق ساحلی جنوب ایران - توسعه صنایع در سواحل جنوبی و بالا بردن سطح زندگی ساحل نشینان و ایجاد مراکز آموزش حرفه ای صیادی است.

البته من از تأسیسات شیلات در جنوب و کارهای خوبی که انجام داده بازدید کرده ام و منکر آنها نیستم اما مرتب کارشناس خارجی استخدام می کند در حالیکه با ایجاد مراکز آموزش حرفه ای صیادی می تواند نه تنها بی نیاز از استخدام کارشناسان خارجی باشد بلکه بایرنامه مشخص کارشناسان ایرانی در امر صیادماهی به نقاط دیگر اعزام شوند.

در اکثر نقاط سواحل خلیج فارس که رفته رفته شکایت صیادان محلی از دست آنها بلند است به عنوان گوناگون و اشکال تراشی های متعدد مانع صید صیادان محلی میشوند آخر اینها چکار باید بکنند؟ کار و شغل و زندگی آنها از همین راه صیادی میگردد.

در جزیره شبرفت صیادان بن گفتند میگوروا. با قیمت های خیلی نازل می خردند و آنرا با قیمت رسمی چند مرتبه بیشتر بفروش می رسانند چرا مانع از این میشوند که ما با قیمت خیلی کمتر از آنچه خودشان می فروشند در اختیار مردم بگذاریم؟ ماهی های شیلات چه در تهران و چه در بنادر، در فروشگاه شیلات خیلی با زحمت و بندرت بدست می آید ولی هر چه بخواهید در بازار سیاه با قیمت های بالاتر در دسترس است وقتی از شبکه توزیع سخن رانده میشود و میگوئیم باید شبکه توزیع درست بشود این شبکه توزیع که در اختیار دستگاه دولتی است چرا درست کار نمی کند و بازار سیاه بوجود می آید؟ آنها علنی و آشکار، وقتی چنین هست دیگر چه انتظاری از شبکه توزیع که در اختیار بخش خصوصی است داشته باشیم؟ تور ماهیگیری که چیز ساده و پیش پا افتاده ای است از خارج وارد میشود.

کشتی های ماهیگیری اکثرآ برای تعمیر به بنادر غیر ایرانی مراجعه می کنند.

توسعه صنایع در سواحل جنوبی و بالا بردن سطح زندگی ساحل نشینان و صیادان محلی مفهومش همین چیزهاست که ما به همین ها آموزش بدهیم و با ایجاد صنایع وابسته به امر شیلات سطح اشتغال را در ساکنان مناطق جنوبی بالا ببریم. اگر این چیزها از وظایف شیلات خارج باشد باید دستگاه دیگری اینکارها را انجام بدهد مطلبی که من بیان می کنم یک موضوع انسانی است اکثر بنادر ما بنادر ماسیگیری هستند با تفاوت تاسف بگویم که در اثر همین عدم توجه ها با لمال نیازمندی که به نیروی انسانی خودمان داریم و در حالیکه با قبول چه مشکلات و مسائلی حتی کارگران ساده خارجی را با استخدام درمی آوریم من شاهد هستم که چگونه روستاهای ساحلی و بنادر خالی از سکنه می شوند و به آنسوی خلیج فارس روی آور می شوند.

این شرکت می تواند در پرورش نیروی انسانی و بالا بردن سطح اشتغال و افزایش درآمد مرزنشینان و افزایش و ارتقاء دادن به سطح زندگی آنان به پیشرفت های زیادی نائل آید و انتظار و حرف ما هم همین است که عامل مهم و مؤثری برای آباد ساختن و ایجاد محیط کار و فعالیت ارزنده تر باشد.

صنایع یکی دیگر از صنایع تأمین نیازهای جامعه ملی ما و جلوگیری از خروج بیهوده ارزو حتی تحصیل درآمدهای ارزی قابل توجه است در این مدت همه گونه حمایت بیدریغ از بخش خصوصی و صنایع ایران شده ولی براساس صنایع ما تا چه اندازه پیشرفت حاصل نموده و تا چه حد روی پای خود می تواند به ایستد و تا چه اندازه می تواند در بازارهای جهانی با کالاهای مشابه از حیث قیمت و مرغوبیت قابل رقابت باشند حمایت های بیدریغ روحیه مدیریت های صنعتی ما را تنبل و از خود راضی نموده یک روی قضیه فشار بی حدی است که به مصرف کننده وارد می شود هر روز مصرف کننده ایرانی بول بی حساب و زیاده تری را به جیب مدیران به اصطلاح صنایع ایران سرازیر می سازند و هر روز اجتناب بنجل تر و اشغال تر را اجبارآ به مصرف کننده تحمیل می نمایند.

این یک فساد است که در دستگاه مدیریت صنعتی مملکت ما رخنه کرده که حتی ساده ترین و بیش با افتاده ترین محصولات صنعتی ما در حالیکه می تواند حتماً با بهترین وضع بدست مردم برسد با این شکل به مردم تحمیل می شود و چگونه این مدیریت های صنعتی با حساب سازی های ماهرانه به روی کالاهای خودشان

نرخ میگذرانند وجه ثروت های بی حساب و کلان و بادآورده که از جیب مصرف کننده بدست نمی آورند و چه ولخرجی ها و به اصطلاح نو لیسکی های چندش آور که در خارج کشور و داخل کشور با این پول ها انجام نمیدهند و ایرانی شریف را با چهره غیر واقعی و کاذب به دیگران معرفی نمی کنند اما روی دیگر قضیه دست کمی از آن روی قبلی که به عرض رسیدند از (صحیح است احسن است) ما به این گونه صنایع هرگز نمی توانیم دلخوش باشیم این گونه صنایع هرگز ستایمی نخواهند بود که بتوانند یک میلی متر خارج از مرزهای حمایت بیدریغ بای خودشان را آن طرف تر بگذرانند و به جهان خارج راه پیدا نمایند ما وقت و سرمایه خود را با این ترتیب از دست میدهم و باک از آن دارم موقعی بفکر بیافتم که بسی دور شده باشد. شنیدم حتی در کشور ما که معادن سرب فراوان هست برای مصرف باطریهای که در ایران ساخته می شود سرب بصورت ماده اولیه مصرف باطریها وارد می شود. اتومبیل های ساخت ایران سال بسال نامرغوب تر - گران تر و مسئولان نسبت به انجام خدمات بعد از فروش آن بی اعتنا تر می شوند. از محل دلالتی و ایجاد بازار سیاه تصنعی و خود ساخته (که متأسفانه از شرائط جنبی کلیه تولیدات شده) واسطه های فروش اتومبیل های داخلی درجه بدست های کوتاه چه ثروت های افسانه ای بهم زده اند و چه نیروی فشاری در پشت سر وارد می سازند که نه تنها خیابانهای تهران بلکه هر شهر و روستا از انواع و اقسام اتومبیل های ساخته شده داخل و خارج اشباع شده و حتی هوایی برای تنفس سالم هم باقی نمانده تا آنجا که یکی از همکاران به شهرداری پیشنهاد جالبی داد که همراه با عوارض توسازی یک ماسک به پرداخت کنندگان عوارض جائزه خوش حصانی داده شود تا سال بعد هم زنده باشند و بتوانند عوارض خودشانرا به شهرداری بپردازند.

اساس فلسفه کار ملت ما حفظ منافع و صیانت از حقوق جامعه است من اعتقاد دارم که این ترتیب که برخی از صنایع و بخش خصوصی در پیش گرفته است به صلاح مملکت نیست. دولت باید یک برنامه زمان بندی شده تعیین بنماید و هر سال مقداری از حمایت ها را کاهش بدهد صنایعی که در طول یک مدت نتوانند خودشانرا منطبق بسازند بهتراست جای خودشانرا به عوامل دلسوزتر و مؤمن تری بسپارند این مدیریت های صنعتی که اینگونه عمل می نمایند همان آرزوی همیشگی استعمار گران است - استعمار گران می خواهند ایران با همه استعداد

و امکاناتی که دارد نتواند وارد بازار جهانی بشود - پول نفت هم پس از مدتی بیابان خواهد رسید و ما همان مصرف کننده دائمی برای کشورهای استعماری باشیم اما ملت ایران هرگز چنین چیزی را نمی خواهد و با هر قیمت شده باید راه خودش را بسوی آینده باز نماید .

ما می خواهیم له نام ساخت ایران سند اعتبار و ارزش جهانی و مرغوبیت کالای ایرانی و محصول صنایع ملت ایران باشد رشد منظم اقتصادی با اتکاء به گسترش واقعی صنایع بدون نوسانات شدید باید ادامه پیدا کند بیش از ۵۰ درصد جمعیت ما هر زیر ستین ۱۶ سالگی هستند این جمعیت قریباً وارد بازار کار خواهد شد اگر برنامه گسترش صنایع ایران به معنای واقعی و حقیقی به مورد اجرا گذاشته نشود ممکن است با خطریکاری مواجه بشویم تا آنجا که می توانیم باید در این راه کوشش نماییم مسئله پیشرفت صنایع یک امر نمایشی و سطحی نیست از هر جا باید صرفه جویی کنیم که البته بسیار جای صرفه جوییهای خیلی زیادتری وجود دارد (شنیدم سالانه یک میلیارد تومان صرف واردات گل می شود! چه ولخرجی ها) باید در کارهای اساسی و زیر بنایی و طرح های عمرانی که بازده واقعی دارد اعتبارات را بکار ببندازیم (صحیح است).

مسئله صنایع ایران وابسته به مسئله خواست ملی ما و نازک گران میهن پرستی است که سهم مشارکت آنان در میهن پرستی بلند آوازه ساختن نام ایران بوسیله ورود صنایع رقابت ناپذیر ایران در بازارهای جهانی است .

این آرزوی است که هیچ دلیل ندارد در بر آورده شدن آن تردید پیدا کنیم .

شاهنشاهی فرمایند:

« آنچه ما می خواهیم این است که سرزمین ما واقعاً و نه بصرف ادعا سرزمین مردمی خوشبخت و مرفه باشد .

منطق صراحت و صداقت حکم می کند که ما بجای صرف ادعا به واقعیت ها بپردازیم . همان اندازه که انجام واقعی کار با منطق میهن پرستی انطباق دارد ادعای بوج و خالی هم از منطق بی اعتنائی به مصالح حیاتی ملت که اگر خیانت نام نداشته باشد نمیدانم چه نامی باید براو گذاشت سرچشمه می گیرد .

مادر آینده با کاهش درآمدهای ارزی ناشی از صادرات نفت روبرو خواهیم بود .

ساراهی جز آن نداریم که صنایع خودمان را آنها با عالی ترین کیفیت ها جایگزین آن بسازیم از معادن ما باید بهره برداری صورت بگیرد چرخ های صنعتی ایران با عالی

ترین امکانات بالقوه می تواند بگیردش درآید .

اکنون نظارت مطلوبی بر کار بهره برداری از معادن وجود ندارد باید ترتیب کارطوری داده شود که بعداً استخراج از معادن غیر اقتصادی نباشد چون کسانی که اکنون اجازه بهره برداری میگیرند بصرفشان هست از مناطق مترکم تر بهره برداری بنمایند در صورتیکه بعداً استخراج سایر مناطق اقتصادی نخواهد بود در واقع از این بابت ضایعاتی متوجه بهره برداری از معادن ما خواهد شد .

ما باید از صادرات مواد خام نفتی بکاهیم و ارزش افزوده محصولات پتروشیمی و سایر فرآورده های نفتی را جایگزین کاهش حجم صادرات مواد نفتی بنماییم .

من نمیدانم در اسر پتروشیمی تا چه اندازه پیشرفت داشته ایم .

با توجه به ذخائر اولیه مواد نفتی که داریم باید صنایع پتروشیمی صنایع ملی ما باشد .

در ارقام بودجه ملاحظه شد که از اعتبارات جاری کاسته شده و به سرمایه گذاری ثابت افزوده شده این کار خوب و قابل تقدیری است زیرا عمده ترین بخش درآمد ملی از بابت ذخائر پایان پذیر نفتی تأمین میشود .

و این درآمد که در واقع - مصرف سرمایه ملی است - نباید به مصرف هزینه های جاری برسد بلکه باید در تولید ملی آینده ملت ایران اثر بگذارد بنابراین نکته ای که باید در این جا مورد توجه قرار بگیرد بازده سرمایه گذاری ثابت و میزان سودآوری آن در اقتصاد آینده است که باید بصورت واقعی مورد ارزش یابی قرار بگیرد ما از حیث انرژی بسیار غنی هستیم ، نفت ، گاز - ذغال فراوان برای تحرك صنایع ما وجود دارد از نظر نیروی انسانی و کارمندان از نصف جمعیت امروز مادر آینده نزدیک به بازار کار خواهند پیوست ، قوانین کار و کارگری ما اصولی که در مملکت ما باید به آن احترام گذاشته شود مانند سهم بودن کارگران در سود ویژه و اصل گسترش مالکیت صنعتی از مسائلی است که بهترین اهم تحرك صنعتی جامعه ایرانی بشمار میرود .

صنایع ما با محدودیت های آب که در سرزمین ایران وجود دارد باید به سواحل خلیج فارس کشانده شود و این خود یک مزیت رقابت ناپذیر دیگری است که هم وارداتش آسان است و هم صادرات آن کم خرج و بسادگی می تواند به تمام نقاط جهان فرستاده بشود .

در آن مناطق زمین فراوان و ارزان - هواسالم و چون استعداد کشاورزی چندان ندارد پیشرفت صنایع عامل

بازدارنده کشاورزی نخواهد بود و هم سبب خواهد شد نیروهای انسانی ایرانی که به اطراف پراکنده شده اند دوباره جذب صنایع اساسی مملکت در کرانه های خلیج فارس بشود .

محصول سیمان از کوهفائی که در سواحل خلیج فارس وجود دارد می تواند بسادگی بازاری فروش رقابت ناپذیر از طریق حمل و نقل آوزان دریائی در کشورهای هم جوار پیدا بنماید .

صنعت کشتی سازی در خلیج فارس زمینه بسیار مناسب و ممتازی است که میباید به آن توجه بشود وطن پرستی در عمل یعنی استفاده از همین امکانات فراوان که وجود دارد در جوار یک چنین صنایع عظیم آموزشگاه عالی صنایع دریائی چه نیروی قابل توجه که متناسب با بازارهای کار مملکت خواهد بود از همین جوانان با استعداد بوجود خواهد آورد .

بندرهای فعال در سراسر کرانه های خلیج فارس شبکه بهم پیوسته راه آهن که از خط کرانه ساحلی عبور میکند و بندرهای غیر فعال امروزی که بصورت فعال و پر تحرك سرا کر تولیدی و صنعتی مملکت را بهم پیوند میدهد زمینه های مثبت و سازنده ای است که وجود دارد .

ما اول باید بازارهای داخلی را بصورت واقعی بی نیاز سازیم بعداً بازارهای خلیج فارس و سپس بازارهای جهانی را با محصولات ایرانی آشنا بسازیم .

اما استعمار نمی خواهد ایران کشور صنعتی باشد منطق میهن پرستی حکم می کند با تمام قوا در برابر توطئه های استعماری که با اشکال گوناگون صورت میگیرد ایستادگی و مقاومت بنماییم .

پیشرفت صنایع ایران بیشتر از همه هدف و آرزوی کارگران ایران است .

کارگران ایران از ناشناخته ترین روزگاران تاریخ نیروی کارشان پشتوانه حفظ استقلال و شرافت و هویت ملی ما بوده است کاوه آهنگر و یعقوب لیت از این نمونه ها هستند .

کارگران نباید تاوان سودجوییهای بی حد و مرز کارفرمایان بخش خصوصی را بپردازند .

این سودجویها مانع پیشرفت واقعی صنایع ایران است .

کارگران ایران ازدل و جان پیشرفت صنایع ایران را می خواهند .

آینده ایران باید در عین آنکه نه تنها از نظر کشاورزی خود کفایله صادر کننده هم خواهد بود باید با سر بلندی وارد باشگاه کشورهای صنعتی جهان بشود و این راهی است که

باید پیموده بشود . اگر مدیریت های صنعتی فراتر از سودجوییهای کوتاه بینانه قادر به درك هدف های دراز مدت و آینده نگر نیستند مسئولیت حکومت ملی این است که موجبات عملی و پیشرفت برنامه ایران صنعتی را فراهم آورد .

استخدام کارگران خارجی برای ایران یک مسئله دائمی نیست او نمی تواند دانسی باشد باید به آموزش جدی کارگران ایرانی که استعداد زیاد و فوق العاده تحسین آمیز دارند بپردازیم .

جایجائی کارگران در صنایع مغایر هدف های افزایش مهارت فنی کارگران است باید هر کارگر شناسنامه مهارت فنی داشته باشد نیرومند ساختن آموزشگاههای حرفه ای و آموزش ضمن خدمت از برنامه هائی است که باید برای ارتقاء سطح مهارت های فنی کارگران صورت بگیرد .

مسائل رفاهی کارگران - خانه های سازمانی برای کارگران - ایجاد مهد کودک های الزامی و سازمانی برای بانوان که در هر کارگاه مشغول کاری باشند - در دسترس گذاشتن کالاهای اساسی و مورد نیاز کارگران با قیمت های ارزان بمنظور حفظ قدرت خرید کارگران و مقابله در برابر تورم - تقویت واقعی و ثمر بخش شرکت های تعاونی مصرف کارگران . جلوگیری از هزینه های ساختگی و نامتناسب و سند سازی برخی از مدیران صنعتی برای فرار از پرداخت مالیات و سود ویژه که باید به کارگران داده شود و این قبیل جریانات نباید از دید نظارت ملی پوشیده بماند .

هر کس حمایت نظامات مملکتی را طلب می کند اول باید به این نظامات صادقانه احترام بگذارد .

از صنایع داخلی در برابر دمیپنگ باید به نحوی حمایت بشود که اسباب تنبلی و ناهرغوبی محصولات ایرانی نشود . بجای حمایت بیدریغ و دل خوش بودن به صنایع مونتاژ باید حمایت ما بیشتر متوجه به ساخت داخلی و ارزش های افزوده بوسیله نیروی کار و کوشش و تکنولوژی ایرانی باشد . برخی از کارخانه ها که با تکنولوژی قدیمی و فرسوده کار می کنند چرا از محل ذخیره استهلاك قانونی که بهمین منظور پیش بینی شده نوسازی نمی شوند . در این باره سازمان پر عرض و طول گسترش و نوسازی صنایع ایران چه می کند ؟ بعضی از کارخانه های تولیدی ما از تمام ظرفیت استفاده نمی کنند شنیدم صنعت نساجی تا چهار سال قبل با کیفیت بهتر سالیانه ۵۰۰ میلیون متر پارچه در داخل کشور تولید می نمود در حالیکه اکنون ۳۷۰ میلیون متر پارچه با کیفیت

نامرغوب تر تولید می کند ؟ اداره استاندارد صنایع و تولیدات مملکت چه نقشی دارد ؟

شنیدم که اغلب کالاهای تولیدی بعلت کیفیت های پایین تر از استاندارد در کشورهای تولید اولیه مورد قبول اداره استانداردهای آن کشورها قرار نگرفته است .

درباراهای مصرفی مملکت از این نوع کالاهای غیراستاندارد بحدی زیاد شده که کمتر کالائی مطابق استاندارد پیدا می شود. این موضوع جدا از مسئله عدم کنترل قیمت هاست که مرتب بصورت روند شتاب آمیز تورمی جامعه را آزار میدهد درست نیست که گرانی غیرمنطقی را حمایت از تولید کننده و واردات بی حساب را حمایت از مصرف کننده توجیه بنمائیم عاملی که در این میان وجود دارد نه تولید کننده و نه مصرف کننده است چیاول وغارتگری است که واسطه ها و دلال ها و ایجاد کنندگان بازارهای سیاه از آن بهره میگیرند هرروز به یک نام و نشان یک روز سیمان یک روز شیشه یک روز تخم مرغ یک روز پیاز و سیب زمینی یک روز وسائل بدکی اتومبیل و ... کفی باید دست اینها را کوتاه سازد ؟ وقتی اداره استاندارد ضابطه ای برای کنترل نداشته باشد چه فایده دارد ؟ زیر اسم استاندارد چه کالاهای نامرغوبی به مردم تحمیل می کنند ؟ یک چیزهایی که فارغ از مسائل پیچیده فنی و تکنولوژی پیش رفته است حتی درحد یک دستمال کاغذی که چقدر با بی اعتنائی و بی دقتی تهیه می شود و نامرغوب به مردم تحمیل می شود اینها صرفاً ناشی از سودجویی و روحیه تجاوز به حقوق جامعه است . روحیه بخش خصوصی باید عوض بشود برصنایع ایران نظارت قاطع و دقیق صورت بگیرد، تکنولوژی و مدیریت درست ایرانی گسترش داده شود. از زیان یک مسئول شنیدم ۸۰ درصد شرکت هائی که دارای مدیریت های خارجی بوده اند تا موفق بوده اند بطوریکه ناچار به عوض کردن مدیران شده اند این مدیریت های خارجی فکر می کنند این پول ها بادآورده است که باید مفت هم از دست داده شود. با اعمال قدرت و نظارت قاطع باید تفکر غلط هر کس را براه درست هدایت نمود. سرمایه هائی که در امر زمین بیهوده را کد شده و به عقیده من مادام که سوداگری سودهای بادآورده و زحمت نکشیده معاملات زمین بهر نخوی از انتعا وجود داشته باشد هیچ بخشی از اقتصاد و امور اجتماعی و عمومی ما نخواهد توانست خود را از نفوذ و جاذبه زیان بخش آن کنار بکشد. بنابراین باید و ضروری است که اقدامات انجام گرفته در نیمه دوم امسال

قاطعانه دنبال بشود و همه بدانند تنها درآمدی مشروع و مورد احترام خواهد بود که از طریق شرافتمندانه و نیروی کار و کوشش و مورد نیاز جامعه بدست آمده باشد و لا غیر (صحیح است)

مسئله کشاورزی از اهم مسائل اموراتصادی مملکت می باشد اگر برنامه ریزی همراه با صداقت وجود داشته باشد مسائل کشاورزی ایران مسائل بدون راه حلی نخواهد بود و ایران در سطح تولیدات اساسی نه تنها به خود کفائی کشاورزی خواهد رسید بلکه خواهد توانست صادرکننده محصولات کشاورزی هم باشد ما نه تنها هنوز از کلیه امکانات و استعداد های خود استفاده نکرده ایم بلکه در بسیاری از ظرفیت های تولید کشاورزی ما ضایعات قابل توجه وجود دارد آمارگران مدعی بودند کمبود محصول گندم بعلت افزایش مصرف آنست و به علت افزایش درآمد عمومی مصرف گندم زیاد شده اما نگفتند در اثر بی بالائی و بی دقتی محصول گندم تنزل پیدا کرده زیرا بالارفتن درآمد عمومی سبب خواهد شد که مردم غیر از گندم چیزهای دیگری مصرف بنمایند. به همین ترتیب در اثر بی دقتی و آفت کرم خازدار محصول برنج تقلیل پیدا کرد آفت های دیگری مثل مگس مدیترانه ای به محصولات کشاورزی ما آفت وارد ساخت در منطقه جم و خانیز جنوب ایسران بهترین مرکبات داشتیم حالا برای آنها هم آفت پیدا شده و هنوز راه چاره و مقابله با آن را پیدا نکرده اند .

پیمانکاران از هرجا دلشان می خواهد شن و ماسه بر میدارند و آب شور دریا بظرف سزراع کشاورزان در اثر این عملیات سرازیر می شود با وجودیکه ما قانون داریم که باید به همین منظور شن و ماسه با اجازه منابع طبیعی برداشته شود تاجریان و مسیر آبها تغییر پیدا نکند اما کسی وظیفه خودش را اجرا نمی کند این کشاورزان که در آن مناطق کشاورزی می نمایند آدمهای سخت کوش و زحمت کشی هستند باید آنها را بوسید* این کشاورزان حاضرند و راضی هستند در زمینی با عشق و علاقه کار نمایند که با منطق خیلی ها اقتصادی نیست. کدام دستگاه بفکر صیانت از اراضی و دفاع از حقوق اینهاست ؟

با وجود آنکه یکی از عوامل بازدارنده پیشرفت کشاورزی ما آب است و با توجه به سیاست استفاده از هر قطره آب بسیاری از آب های سطحی استفاده نمی شود و مرتب با فرسایش خاک اراضی خوب شسته می شود و آب های کمیاب مملکت ورودخانه ها یا به دریا و یا در

کوبرها ضایع و تباه می شود این ها نمونه هائی از آنستکه ما در کشاورزی خودمان از ظرفیت های عادی و طبیعی و ممکن واقعی استفاده نمی کنیم .

در بودجه سال ۳۷ معادل ۳۹ درصد اعتبارات کشاورزی افزایش پیدا نموده در تبصره ۲ بودجه ۸۰ میلیارد ریال تنخواه گردان برای خرید محصولات کشاورزی و دامی در نظر گرفته شده در بند ب همین تبصره مبلغی از همین اعتبار اختصاص به تنخواه گردانهای واریز شده سالیهای قبل داده شده .

چرا تا بحال تنخواه گردانهای سال های قبل واریز نشده؟ مفهوم تنخواه گردان بهین اعتبار که اجازه تنخواه گردان هرسال تجدید می شود این است که باید حساب تنخواه گردان در پایان هرسال واریز بشود .

معلوم نیست از این ۸۰ میلیارد ریال چه میزان اسناد واریز شده سالیهای قبل است وجه مقدار مورد عمل سالیهای آینده خواهد بود به عقیده من قسمت تبصره ۲ از قسمت همین تبصره باید مجزا و روشن باشد که چه مقدار از ۸۰ میلیارد ریال اختصاص به برنامه ای دارد که در تبصره ۲ نسبت به آن توجه شده است این ۸۰ میلیارد اعتبار رقم قابل توجهی برای خرید محصولات کشاورزی و دامی کشاورزان می باشد و خواهد توانست دست سلف خرها و واسطه های زائدرا کوتاه بسازد سیستم توزیع درستی را جایگزین نماید (صحیح است) یکی از مسائل تأسف آور در کشاورزی مملکت ، که در سایر شئون هم راه پیدا کرده همین سیستم توزیع نادرست و دست واسطه ها و ایجاد بازار سیاه است مگر این واسطه ها چه مقدار سرمایه دارند که اعتبارات مملکتی و این همه شرکت های تعاونی قادر به مقابله با آن نباشد؟ سیستم توزیع ما بسیار بدو ناقص و فرضی است برای سوء استفاده عوامل سودجو هم اکنون برتقال هائی که کمتر از ۱۰ ریال از کشاورزان خریداری نموده اند در انبارها احتکار کرده اند که در بازار سیاه شب عید با هر مبلغی که دلشان خواست بفروشند نارنگی هر کیلو ۷۰ تومان؟! از این مبلغ چه مقدار آن بسات کشاورز تولید کننده می رسد یا رسیده است ؟

تمام این هزینه های تومی مالیات اجباری است که این واسطه ها و ایجاد کنندگان بازار سیاه به مصرف کنندگان تحمیل می نمایند .

خرما در مناطق جنوب تولید می شود و واسطه ها به قیمت های نازل خریداری می کنند و با قیمت های گران بسات مصرف کننده میدهند .

چگونه است که سیستم توزیع مملکتی با آن همه تأسیسات و سرمایه های عظیم و امکانات نمی تواند با سلف خرها رقابت کند؟ در زروشگاههای شهر و (شور و روستا) بجای محصولات کشاورزی داخلی محصولات کشاورزی خارجی و وارداتی بفروش میرسد بهمه چیزها سوسید داده می شود اما وقتی پای گندم به میان می آید با قیمتی از کشاورزان می خرد که حتی برداشت محصول هم برای آنها صرف نمی کند ! هم اکنون معادل ۵۲ درصد جمعیت ایران یعنی ۱۸ میلیون نفر در روستاها هستند باید برای این جمعیت روستائی در همان روستاها که زندگی می نمایند کار و تأسیسات رفاهی و خدماتی بوجود آید اگر این ها از روستا خارج بشوند از صف تولید کننده به صف مصرف کننده خواهند پیوست. راه اولین نیاز روستاهای ماست در اکثر روستاها که با کشاورزان تماس گرفته ام همه به این موضوع اهمیت راه تا کید داشتند نه راه دارند و نه وسائل رفاهی در اختیار آنان می باشد .

برای نمونه بگویم که از این قبیل بسیار هست در یک روستا از بخش مرکزی بوشهر رقم باسم لیلک مدرسه ندارند از لیلک تا پهلوان کشی که در ۳ کیلومتری است بچه ها میدوند تا خودشانرا بمدرسه برسانند تازه تا کلاس پنجم بیشتر در پهلوان کشی نیست و برای مدرسه راهنمائی هم باز بچه ها باید بدوند تا خودشان را به بنی گذر ۱۵ کیلومتری پهلوان کشی برسانند وقتی از معلومات این دانش آموزان سؤال میکردم چیزی بلد نبودند شاید در حد صفر از آنها سؤال می کنم چرا چنین هستید؟ جواب میدهند وقتی ما صبح از خانه خارج می شویم ظهر به کلاس درس میرسیم آنوقت دیگر کلاس تعطیل شده و ما چیزی یاد نمی گیریم .

کجای دنیا یک چنین شوق به تحصیل وجود دارد که بچه های ۱۲ ساله در بیابان بدون راه و بدون وسیله در فصل زمستان و یا تابستان ۱۵ کیلومتر بدوند تا خودشانرا بمدرسه برسانند .

این ها وسائل رفاهی در ده خودشان می خواهند و همین است علت انتقال و جابجائی جمعیت روستائی و هجوم به شهرها. برای این همه روستاهای پراکنده و تأمین برق آنها چه برنامه ای در نظر داریم؟ برق یکی از مسائل رفاهی است که باید به روستا بیاید و در تولید کشاورزان و بهبود کیفیت زندگی آنان مؤثر خواهد بود. خط انتقال نیرو الزاماً نمی تواند همه روستاهای مملکت را ببوشاند و علاوه بر این گران و بسیار

هزینه تمام خواهد شد بسیاری از روستاهائی که من مراجعه کرده حاضر بودند بامبلغ قابل توجهی خودیاری خودشان به آنها کمک بشود و کارخانه برق کوچک تهیه و نصب کنند نظرم آنستکه به این موضوع توجه بشود و کارخانه بادوام که با آب و هوای اقلیمی ایران و مناطق روستائی سازگار باشد و آموزش آنها ساده و آسان و کم خرج باشد و وسائل یدکی و تعمیراتی آنها هم قبلاً مطالعه شده باشد به انجمن های روستائی تحویل داده شود خودشان بتوانند آنها اداره بنمایند این روستائیان آزاده و ایران پرست ناچارند برای یک موضوع پیش پا افتاده به شهر بیایند گاهی تزیق یک آمبول برای آنها بیشتر از ۱۰ تومان تمام میشود بهین دلیل بن میگویند اکثر اموال کشاورزی آنها باین ترتیب صرف خرید دارو یا ایاب و ذهاب به شهر میشود.

در تبصره ۸ بودجه سال آینده و میلیارد برای ساختمان و توسعه راههای روستائی در نظر گرفته شده که با آن میتوان به احداث بانج ۱ هزار کیلومتر راه روستائی اقدام نمود اگر چنین کار مرتبی صورت بگیرد بسیار موفقت آمیز خواهد بود بویژه که در سالهای آینده نیز می توان به این اعتبار با افزایش امکانات افزود و موجبات رفاه بیشتر روستائیان را فراهم ساخت.

در روستاهای ساحلی نواحی ما مسئله دیگری وجود دارد که اهمیت آن برای روستاها کمتر از راه نیست و آن ایجاد پناهگاه دریائی با اسکله و موج شکن ولای رومی خوزها یا کانال های دریائی است که عمق زیاد و قابل توجهی ندارند اما با حیات اقتصادی و کار و کسب و زندگی آنها سروکار دارد، هر سال خسارتهای جانی و مالی فراوانی در اثر نبودن موج شکن بوجود می آید و من اکثر روستاهای ساحلی را دیدم که موج شکن ندارند و اگر برای بعضی هم موج شکن درست شده پیمانکار کار را ناقص و غیر قابل استفاده ارائه داده که فقط پولی گرفته و آنچه که ساخته شده نیاز روستاهای ساحلی را برآورده نمی سازد اکثر بنادر کوچکما که فعلاً غیر فعال هستند احتیاج به لایروبی دارند اینها هم راههای حیاتی است وقتی لایروبی نشود حتی کشتی های کوچک در مواقع خطر آب دریا نخواهند توانست وارد بندر بشوند و توفان و امواج دریا آنها را درهم خواهد شکست.

یک رودخانه شور در بخش گناوه وجود دارد که از بندرریک عبور می کند آب رودخانه که شور و نمکی است در اثر رسوب گل ولای مسیرش تغییر پیدا نموده و روی مزارع مستعد روستاهای منطقه سرازیر شده و کلبه مزارع

بایرکت را غیر قابل استفاده نموده بهین دلیل جاده ای هم که باید احداث بشود همیشه کارش نیمه تمام است از همه بدتر در اثر گل ولای که وارد خور بندری یعنی کانال دریائی شده کشتی های کوچک صیادان محلی هم به گل می نشینند و نمی توانند وارد بشوند در چند جلسه پیش ضمن سؤال خودم که از وزارت کشاورزی نمودم اشاره کردم که رودخانه حله در عرض یازده سال اخیر به چه سرنوشتی دچار شده.

اصلاح کشاورزی ایران بیش از آنکه به پروژه های سنگین و پر هزینه نیاز داشته باشد به مدیریت های دلسوز و آگاه احتیاج دارد.

بلی مدیریت دلسوز نه مدیریت های مزاحم متأسفانه در اکثر موارد مدیریت های جای دلسوزی و صمیمت جز مزاحمت و کار شکنی بهره دیگری برای کشاورزان ندارند.

به اسم تثبیت شن روان بر خلاف قانون نخلستان را که از مستثنیات بود از دست صاحب آن خارج کردند.

در گناوه شکایت های فراوانی از این بابت بن دادند.

سیاست شهرک سازی روی زمین های سرسبز کشاورزان در مناطقی که اصولاً زمین های کشاورزی نایاب بود من نمیدانم چه سیاستی بود که آنوقت ما همیشه بدنبال علت ناسامانی وضع کشاورزی و روستاها به خودمان نگاه می آوریم.

در منطقه کاکلی منحصراً بدترین مناطق سرسبز کشاورزی را به شهرک اختصاص دادند و زمین هارا از تصرف کشاورزان خارج ساختند تازه بن مرتب شکایت مینمایند که پولش را نداده اند مسئول مربوط هم جواب میدهد پولش در صندوق است برود بگیرد.

اما او منبع درآمد و چشمه فیاض هستی خودش را از دست داده است راستی چرا چنین کاری کردند؟

کار وزارت کشاورزی تنظیم و هدایت سیاست های سازنده است نه دخالت های نادرست و زیان آور بحال پیشرفت کشاورزی مملکت.

نتیجه اینهمه کارهای مزاحمت آمیز که برای دامداران فراهم ساختند چه بود؟ (احسن) اگر کارهای درست و سودمندی بود اکنون پس از اینمدت بایستی وضع چرای دامها جز مراتع حفاظت شده خیلی بهتر از گذشته باشد اما چنین نیست!

اجازه چرای دام در مراتع نمیدهند آنوقت علوفه به خارج از کشور صادر میشود مثل تقاله چغندر قند که بجای مصرف دامداران به خارج صادر میشود! اسم این اعمال را چه باید گذاشت؟ (احسن)

گوشت زیر سقف که پرورش داده میشود صرف نظر از آنکه از لحاظ مواد پروتئینی و طعم به مرغوبیت و سلامت گوشت چرای طبیعی نیست خیلی گران تر و پر هزینه تر تمام میشود.

از سیاست های مزاحمت آمیز و زیان بخش بحال پیشرفت های مملکت پر هیز داشته باشیم به دام های محلی در مراتع پروانه چران داده شود بر اساس یک مکانیزم طبیعی همین عمل باعث تقویت مراتع مملکت خواهد شد اگر قرار بود چرای طبیعی مراتع را ازین برده باشد حالاً روی تمام کره زمین تمییز است با اندازه یک سانتیمتر مرتع وجود داشته باشد!

ما نیاز به فضای نظارت و مسئولیت داریم هیچ مأمور و مجری نباید بتواند از امکانات و اقتدارات و اختیاراتی که قانون در اختیار او گذاشته است برخلاف جهت مصالح و سیاست های مملکت اقدامی کند.

یکی از همکاران بیان میداشتند این همه ماشین آلات کشاورزی که خریداری شد بیشتر از آنکه در مزارع کار و فعالیت داشته باشند در تعمیرگاه ها مدت ها خوابیده و راکد و بدون مصرف مانده اند.

اینها اگر ضایعات نباشد پس چه چیزی است چرا با سرمایه های مملکت این طور بیرحمانه بازی میشود؟

چرا وارد کنندگان ماشین آلات کشاورزی که دولت هم عمده ترین وارد کنندگان آن هست نباید وسائل یدکی کافی و ارزان و تعمیرگاههای مجهز در اختیار کشاورزان بگذارند که سود جویان و ایجاد کنندگان بازار سیاه قادر نباشند تا این اندازه عدالت اجتماعی را آشفته و درآمدهای ملی را تنها به جیب خودشان سرازیر بسازند.

باید فضای نظارت ملی در هر زمینه وجود داشته باشد اعتبارات هنگفت بنام کشاورزی از بانک ها دریافت داشتند اما صرف خرید و فروش و بورس بازی در زمین و این قبیل چیزها نمودند این وام های کلان کشاورزی به چه کسانی داده شد؟ یک وقت در همین مجلس از وزیر وقت کشاورزی خواستند که صورت بدهد چه کسانی این وام ها را دریافت نموده اند.

زیر بار نرفتنند و اساسی را در اختیار نگذاشتند چند فقره وام کمتر از ۱۰ هزار تومان و چند فقره وام بیش از یک میلیون و ۱۰ میلیون تومان داده شده و بعد به وام های بزرگ رسیدگی شود که چه مقدار از این وام ها بمصرف واقعی کشاورزی رسیده تنها با لایروبی اعتبارات کافی نیست سیاست برنامه ریزی نظارت، فکر و علاقه صادقانه

لازم دارد.

پیشرفت صنایع نه تنها مغایر با پیشرفت های کشاورزی نیست بلکه مکمل آنها خواهد بود اما وقتی حباب و کتاب باشد و قیمت محصولات صنعتی با حساب سازی تعیین نشود که جاذبه سودهای نادرست و کلان آن جاذبه و میدان رقابت برای کشاورزی باقی نگذارد.

کشاورزی یعنی تولید و تجدید منابع زوال ناپذیر ثروت ملی.

در جهان فردا اجترائی مواد غذایی و محصولات کشاورزی استراتژی تعیین کننده سرنوشت خواهد بود.

تولیدات کشاورزی را در ایران بالا ببریم و از این راه به دنیای نیازمند کمک کنیم صنایع ما هم همین طور می توانند هدف های ملی ما را در کمک به جهان و کشور های نیازمند بر آورده بسازند.

سال گذشته هم به همین نکته اشاره کردم که فلسفه کمک های خارجی مانگیره و اهرم تحریک و پیشرفت تولید مملکت اعم از صنعتی و یا کشاورزی باشد و باین ترتیب با منابعی که از نیروی کار و کوشش و خلاقیت لایزال ملت ایران سرچشمه بگیرد به جهان نیازمند سهم انسانی و ملی خودمان را ادا خواهیم کرد نه از محل سرمایه متابع غیر قابل تجدید فروش نفت که امانت و میراث گذشتگان برای آیندگان است و یک نسل حق ندارد که آنها تباہ بسازد که امید است مورد توجه قرار بگیرد.

آموزش پرورش در مجموعه حیات ملی از با اهمیت ترین نهاد های مملکتی است اهمیت آن همین بس که در ساختن سرنوشت و آینده سازی اثر میگذارد در مملکت هم مثل بدن انسان اندام ها و اعضای مختلفی وجود دارد بعضی اوقات به یک عضو صدمه ای وارد می شود که بعد از مدتی ترمیم پیدا می کند و آن عضو می تواند مثل اول عمل و وظیفه خودش را انجام بدهد فقط یک چند روز و یا مدت کارش لنگ می شود یک وقت به یک عضو آسیب وارد می شود و آن آسیب بشکلی است که آن عضو مادام العمر نمی تواند کار خودش را انجام بدهد مثل یک چشم که بینائی خودش را از دست بدهد و یا دست و پائی که قطع بشود اینا در آینده اثر نمی گذارد یعنی نسل آینده با چشم و دست و پای سالم دیده به جهان میگذارد و آن ضایعه تأثیری در سرنوشت نسل های آینده ندارد اما گاهی آسیب ضایعه شکلی است که در آینده و نسل های بعدی اثر میگذارد در دستگاه مملکت هم دستگاه

آموزش و پرورش نهادی است بسیار با اهمیت - و اهمیت آن همین است که خوب و یا بد آن روی آینده و سرنوشت نسل های بعد اثر میگذارد مسئله آموزش و پرورش در ارتباط با ارزنده ترین و گرانبهاترین و رقابت ناپذیرترین سرمایه و روت لایزانی که در اختیار ملت ایران است می باشد، آموزش پرورش در پیوند با سازندگی نیروی انسانی ملت ایران است.

جای بسی خوشوقتی است که توجه روز افزون نسبت به پیشرفت واقعی آموزش پرورش صورت می گیرد.

۹ میلیون دانش آموز چه نیروی مقدس و بزرگی است این جوانان سرمایه ها و امیدهای ایران آینده هستند، ویژگی ممتاز این نسل همان حساسیت نسل جوان است که می تواند پیش آهنگ و الهام دهنده پیشرفت های مملکت بسوی هدف های بزرگ و آرمان های حماسه آفرین ملت ما باشد.

به نسل جوان چه غذای فکری و عملی داده شده که از آنها چیزی بخواهیم؟ اینها چیزمادی نمی خواهند جوانان غذای روح را بر امتیازات مادی ترجیح میدهند نیرنگ استعمار را تنها با تکیه به فرهنگ و معنویت ایرانی مواجه باشکست خواهیم ساخت آموزش و پرورش مملکت باید معضوف به برآورده ساختن نیازهای مملکت و بازار کار واقعی مملکت باشد. آموزش پشت میز نشینی مرده و بی حاصل است ما در زمینه های بکر و دست نخورده مسائلی داریم که باید هدف هائی آموزشی ما باشد و از ناآگاهیهای موجود در مملکت در جوار صنایع و مؤسسات بهره بگیریم آموزش های شیو انگیز مانند تکنولوژی هسته ای - کشتی سازی - صنایع دریائی، بازرگانی و دریانوردی و بطور کلی توجه به آموزش های حرفه ای بمنظور پوشش نیازهای آینده و جلوگیری از مدرک گرایی.

باین ترتیب جوانان مشارکت عملی خودشانرا در ساختن آینده بخوبی احساس خواهند نمود به مفهوم عمیق - احساس تعلق و پیوستگی خودشان را درک خواهند نمود - هر از آن بخوبی پاسداری خواهند کرد.

روحیه سودجویی همیشه با معنویت مغایرت و ناسازگاری دارد در هیچ جا روحیه سودجویی قابل پذیرش نیست اما واقعاً در برخی نهادها که جنبه معنویت دارد کمترین مقدار آنهم بهیچوجه قابل تحمل نمی باشد مانند نهاد های مؤسسات آموزشی - پزشکی - مذهبی - قضائی.

اگر ما اعتقاد به پرورش صحیح نسل جوان داریم باید این روحیه سودجویی و هدف های پول سازی را یکی از محیط آموزشگاه ها دور بسازیم.

هدف های پول سازی به هراسم و رسم نباید در محیط آموزشگاه ها زاه داشته باشد این چیزها روی اصلی ترین عامل مورد نظر ما یعنی عصر پرورشی اثر سوء میگذارد همکاری خانه و مدرسه هدف هائی والا تر از پول سازی دارد اکثر خانوادها این احساس دارند که هدف اصلی از تشکیل اینچنین های خانه و مدرسه پول سازی از سوی مسئولان مدارس است.

مثلاً ربوبش مدارس دخترانه هراسم عوض می شود حتی شنیدم نام خیاط و فروشگاه را هم تعیین می نمایند.

این چیزها تأثیر پرورشی نامطلوب روی روحیه و عقاید و باورهای نسل جوان میگذارد محیط آموزشی مملکت خیلی مقدس تر و والا تر از آنستکه با پول آلوده و ملوث بشود و این کاری نیست که با عوض کردن یک نفر یاد و نظر و چند نفر درست بشود.

باید روحیه عمل عوض بشود آنهم بصورتی فراگیر و همه جانبه.

دیگر رفع تبعیض و ایجاد ضابطه های مشخص و قابل بسنج بجای رابطه های غیر قابل انکار و دم خروس هائی که همه از مفهوم و معنای آن آنچه را که باید بفهمند می فهمند - مسائلی است که روحیه تحریک رادر جامعه بوجود می آورد و نیروی مؤمن و معتقدی را سازمان خواهد داد که بصورت خود کار نسل جوان ما را بسوی عالی ترین هدف ها رهبری خواهد کرد.

این مفهوم ضابطه بجای رابطه در هر جا باید رعایت بشود اما بدانیم آنجا که با پرورش نسل جوان سروکار دارد بعلت حساسیت و اثر نقش پذیری بروی جوانان باید اهمیت فوق العاده تری به آن داده شود.

مثلاً ضابطه باز نشستگی و تغییر و تبدیلات و تشویق و تنبیه در آموزش و پرورش بر چه اساسی استوار است؟

من سراغ دارم معلمی که در یک نقطه دوران افتاده مملکت خدمت کرده باز نشسته شده و از دادن چهارماه

مرخصی استحقاقی که به همه میدهند غفلت نموده اند و حالا میگویند دیگر چاره ای نیست چقدر مکاتبه کرده و بدون نتیجه مانده است این چیزها روی فضای پرورش معلم و دانش آموز اثر میگذارد معلم رشوه نمی خواهد حق خودش را که بر اساس ضوابط مملکتی اعلام شده می خواهد.

اکثر دانش آموزان که با آنها ارتباط پیدا می نمایم دانش آموزان سخت کوش بر کار و با استعدادی هستند که شانه از زیر بار مسئولیت خالی نمی نمایند ولی حرف آنها

این است که برنامه های آموزشی خسته کننده و صرفاً وقت صرف کن وبدون هدف برای آنان در نظر گرفته شده است (صحیح است) همانطور که شنیدم اسامی مقداری از این برنامه ها را حذف کردند چون زائد تشخیص داده شد.

اصل آموزش رایگان یک اصل مقدس و انقلابی است که با نهایت صداقت و قدرت باید از آن پاسداری بشود یک رویه آن این اصل است که در این مرحله از حالت جهش و پیشرفت های مملکتی باید برای استی از کلیه امکانات

بالتوجه مملکت یعنی استعدادهای جوانان در هر سطح و در هر گوشه و تا هر جا که استعداد داشته باشند استفاده بشود و هیچ جوان این مملکت در هیچ کجا و در هیچ مقطع آموزشی بعلت عدم دسترسی به امکانات مادی متوقف نشود و از سرمایه عمومی مملکت باعالی ترین کیفیت آموزشی تغذیه بشود شنیدم در برخی از مدارس از قبول تعهد خدمت برای آموزش رایگان خودداری کردند و از خانوادها پول گرفتند و اگر چنین باشد دوباره همان بساط راتجدید خواهند نمود.

گرچه ممکن است این کار یعنی عدم قبول تعهد گرفتن پول از خانوادها خودسرانه بوده باشد و چون اگر تحقیق و بازرسی و کنترل و نظارت بشود به مواردی برخورد شود که هم خانوادها پول داده باشند و هم سهمیه از آموزش و پرورش دریافت شده باشد.

این موضوع آموزش پولی تالی فاسد دارد یعنی اولاً اگر خانوادهای فاقد امکانات مالی باشد فرزندش در سیستم آموزش پولی راهی پیدا نخواهد کرد و آموزش مملکت مورد بهره برداری گروه هائی قراض خواهد گرفت که قدرت پرداخت پول بیشتری را داشته باشند.

دیگر آنکه معنویت آموزشگاه های امارات تحت الشعاع پول سازی قرار خواهد داد و یک چنان نظام پرورشی از آن نتیجه خواهد شد که پول در آن عنصر اول باشد سوم آنکه در جامعه اشتهای سودجویی بالا خواهد گرفت چون پول جنبه اصلی و مبادلاتی خود را به جنبه تبلیغ گذاری روی سرنوشت سازی مبدل خواهد ساخت و در جامعه ای که پول بتواند در موضع حلال مشکلات ایفای نقش بنماید قلمرو عدالت اجتماعی از حرف و موعظه فراتر نخواهد بود.

هم چنین شورا های آموزش و پرورش منطقه ای نباید سپری برای آشفته ساختن مسئولیت از سوی مسئولان و مجریان باشد به مردمی که در کارهای خودشان دخالت میکنند باید از یک طرف اختیار داده شود و از سوی دیگر از آنان مسئولیت خواسته شود.

باین ترتیب ما خواهیم توانست در میدان عمل به گورهای ارزنده وجودی انسانهای بشمار و پایان ناپذیری بی بریم که می توانست سازندگان اصلی ایران فردا باشند اما هنگامیکه آنها سپری برای آشفته ساختن مسئولیت ها باشند نه تنها خوب و بدی شناخته نخواهد شد بلکه مسئولیت ها همیشه نامشخص و نامعلوم خواهد بود و هر خطا کاری خواهد توانست هم چنان کار خودش را ادامه بدهد. (صحیح است)

امر مشارکت و عدم تمرکز را باید جدی بگیریم مخصوصاً در آموزش و پرورش که من اسم آنرا نهاد سازنده و تأثیر پذیر روی آینده میگذارم و کانال هائی بوجود بیاید که از نظریات سازنده کمال استفاده بشود و مردم به قبول مسئولیت در مشارکت شایق بشوند نه خود را عنصر عاطل و تشریفاتی بشمار آورند.

یک چیز هائی باید خیلی روی آن تأکید بشود که متأسفانه در حال حاضر جزو مسائل پیش پا افتاده تشریفاتی است و اگر هم عنایتی بآن بشود با اصطلاح سرزبانی است! زبان فارسی و ادبیات و فرهنگ و تاریخ تربیت جسمانی و پرورش روحی و فضائل و سجایای شایسته اخلاقی مانند پیش آهنگی و جوانان شیر و خورشید سرخ و تشکیل اردو های تابستانی با هدف های روشن و سازنده برای پرورش نسل جوان و تجهیز آنان برای استقبال از مسئولیت در مشارکت و آینده سازی و مسئله کودک کستانها که مسئله جدی است و باید از همان کودکی درس های واقعی به کودکان خود بیاموزیم که در نبرد زندگی باید چگونه باشند و چگونه خود را بر ارزنده بسازند - یک روز در کلاس های نوآموزان مدارس میدادند:

به علی گفت مادرش روزی

که ترس و کناره خوس مرو

رفت و افتاد ناگهان در حوض

بچه جان حرف مادرت بشنو!

اما امروز باید به کودکانی خودمان درس های دیگری بدهیم که چگونه برای دست و پنجه نرم کردن با استعمار باید به معنای واقعی نیرومند باشیم تا بجای آنکه در برابر استعمار موضع دفاعی داشته باشیم در موضع قدرت و نیرومندی بایستیم ما به استعمار بدهکار نیستیم که در برابرش موضع دفاعی بگیریم ما طلبکار هستیم و حق خودمان را باز پس خواهیم گرفت و با زوان ما باید اقتدر نیرومند باشد که نه تنها در حوض و استخر بلکه در دریای پر تلاطم و نوبانی قدرت حسنگی ناپذیر پاسداری را داشته

باشد زیرا استعمار غوی نیست نه بانفرین و دشنام میدان را رها بسازد. روی مسئله تاریخ باید تألیف شود تاریخ یعنی سازندگی سرنوشت - چه چیزهایی عوض می شود نه سرنوشت ها به فراز و یا نشیب گرایش پیدا می کند. کدامین نیرو وجود دارد و آن نیرو در لجا قرار گرفته ده توانسته شمشیرهای تاریخی را برآورد ؟ جوانان ما باید به این نیروی حیاتی و جاودانی ملت ها و هویت ملی آگاهی داشته باشند این چیزها درک کردن است تاریخ ایران نمونه کاملی از این درس هاست نه چه نتوانستند و بیاداری ها در چه شرایط سخت و توان فرسا از چه گوشه و کنار و بوسه افراد عادی و گمنام این مملکت صورت گرفت و حوادث تلخ تاریخ را با نیروی سرشار از تحرك و امید خود تربیم و به راه سازندگی زندگی سالم و افتخار آمیز هدایت نمود. ارج به بزرگان فارسی و روحیه پهلوانی و جوانمردی و فرهنگ غنی و برابری نه در لابلای آدب ما موجود است و مردود شناختن غرب زدگی که وصله ناجور در حیات و هویت ملی ماست تنها بالنفاز و تعویض اجباری و الزامی تابلوهای مغازه ها درست نمی شود بلکه این جلوه ای است بیانگر فضائی که بنام غرب زدگی وجود دارد باید فضای دیگری بوجود بیاید که این جلوه ها به طرق گوناگون نتیجه یک چنان فضای غرب زده نباشد.

در همین جا بگویم مدارس خارجی در ایران باید تابع قوانین و برنامه های ایران باشند مانی می توانیم قبول کنیم نه نظام آموزش مملکت ما برای کشورهای دیگر آرد تربیت کند. در بودجه دیده ۱۰ میلیون تومان به عنوان کمک برای مدرسه ایران زمین که خارجی ها (باتوجه به آنکه آنها چنین عمل متقابل را هرگز برای ما در کشور خودشان انجام نمیدهند) و ایرانی ها در آن تحصیل می نمایند و شهریه های دلان هم میگیرند سال گذشته هم ۱۰ میلیون تومان به آن کمک شده ، در برنامه آموزش متوسطه عمومی و جامع بنام احداث ساختمان و تأسیسات مدرسه ایران زمین ۱۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است مگر این مدرسه جقدر زیر بنا دارد وجه کار انجام میدهد که این مقدار صرف احداث ساختمان و تأسیسات آن می شود ؟ در برنامه آموزش متوسطه عمومی و جامع برنامه اجرایی دولت در سال ۳۷ آمده است « تعدد از اجرای این برنامه آموزش دانش آموزان دوره متوسطه بمنظور آماده ساختن آنها برای ادامه تحصیلات دانشگاهی و یا ورود به بازار کار می باشد » باتوجه با سیاست های آموزشی مملکت و نبودن امکانات اولیه آموزش در مراکز دور افتاده

مملکت که همه ما به آن واقف هستیم و میدانیم که تا چه حد در امر جایجانی جمعیت از مراکز تولید و سازندگی مملکت و افزایش خطرناک و بی رویه جمعیت در شهرهای بزرگ و مشکلات جانبی مثل ترافیک مؤثر است این ها چه سیاست هائی است که دنبال می شود ؟ وقتی برای ادامه تحصیل یعنی جلوگیری از ضایعات نیروی انسانی در مراکز روستائی بعد از ۵ سال ابتدائی ما هنوز ترتیب درسی برای جذب جوانان بلاتکلیف نداریم به عقیده من روی یک چنین برنامه هائی نمی توان سهر تأیید گذاشت . اگر عمل ما بآنچه که میگویم پیوند منطقی داشته باشد جامعه بخودی خود پایه های اعتقاد و باورش مستحکم و نیرومند خواهد شد و در غیر این صورت چه انتظاری می توان داشت من تصور نمی کنم هیچ جا به اندازه ایران شوق به تحصیل برای جوانان و خانواده ها وجود داشته باشد من در مشاهدات عینی خود دیده ام که بچه های ۱۲ ساله چون امکان تحصیل در ده و روستای آنها وجود ندارد از مسافت های دور دست ناگزیر به شهر می آیند - تنها زندگی می کنند خودشان خرید می کنند - خودشان آشیزی می کنند - خودشان لباس خودشان را شستشو می نمایند و در عین حال درس هم می خوانند دور از خانواده و پدر و مادر خودشان .

وقتی در تابستان امسال صحت بر سر دو روز تعطیل مدارس در هفته بود من از دانش آموزان هرجا که می رفتم در این باره سؤال میکردم اکثرآ در روستاها بمن جواب میدادند : آقا با دوروز تعطیل مخالف هستیم همان یک روز بس است (یعنی کافی است) وقتی سؤال میکردم چرا با دوروز تعطیل مخالف هستید بمن جواب میدادند می خواهیم بیشتر و بهتر درس بخوانیم ، هزار آفرین - چه پاسخی از این لذت بخش تر و غرور انگیز تر است ؟ همین جوانان با استعداد امکاناتی برای درس خواندن در اختیار ندارند. وقتی از آنها می خواهم شکل لوزی یا دوزنقه را روی تابلو بکشند بلد نیستند سؤال می کنم آهن را با چند قطب دارد نمیدانند در مدرسه ای که اسم آن مدرسه عنصری است درس می خوانند میگویم عنصری که بود ؟ میگویند عنصری است که با آن اتم درست می شود ! سؤال می کنم باران چگونه بوجود می آید بمن نگاه می کنند ! اما وقتی به آنها توضیح میدهم بجز هوشی و ذکاوت فوق العاده آنها را درمی یابیم که چون امکان در اختیار نداشته اند چیزی یاد نگرفته اند .

این ها گوهرهای قیمتی و بی مانندی هستند که هنوز ما راه ورسم شناسائی و گوه تراشی آنان را نخواستیم و با توانسته ایم یاد بگیریم . با این ترتیب و سطح نیازمندیهای وسیعی که بخاطر تجهیز همه جوانان این مملکت برعهده داریم حق نداریم از امکانات عمومی که اختصاص بهمگان دارد برای گروه خاص و معدود استناداردهای بالا بوجود بیاوریم همین جوانان که از تحصیل باز می مانند در هرجا که رفته با چه روحیه مقدس خودشان و خانواده هایشان به من می گفتند حاضریم همه نوع تعهد بدیم و عرجا بگویند کار کنیم بشرط آنکه راه ادامه تحصیل داشته باشیم شکایت آنها و ناراحتی آنها این است وقتی می توانند در ساختن آینده مملکت سهم مشارکت داشته باشند چرا امکان آترا بدست آنها و در اختیار آنها نگذارند می خواهند مدارس عالی و تربیت معلم و حرفه و فن در مراکز مناسب بصورت شبانه روزی برای جذب مقاطع تحصیلی گوناگون وجود داشته باشد - که با اخذ تعهد خدمت - آنها را بپذیرد . بیکار با بیسوادی هم یک مسئله نمایشی نیست مادام که وزارت آموزش پرورش نتواند فرزندان واجب-التعلیم جامعه را آموزش بدهد از بیکار با بیسوادی چه حاصلی خواهد بود ؟

کار بیکار با بیسوادی با هزینه های سنگین انجام نمی گیرد که فقط ساختمان ساخته بشود و از آن نتیجه ای بدست نیاید از همین پول که در اختیار نمایندگان مجلس بود با مبلغ چهل هزار تومان سی هزار تومان چه مدارس تمیز و خوب و قابل استفاده و روشنی مردم درست کردند و هم می شود از امکانات موجود استفاده کرد نه اینکه مرتبآ ساختمان بشود من آموزش عشایری را - که بدون خرج و ساختمان در زیر چادر ها صورت میگیرد از نزدیک

دیدم راستی تحت تأثیر قرار گرفتم چه تحت تأثیر معلمین که داشتند و چه تحت تأثیر دانش آموزان و براساسی چه روحیه عالی و با ارزشی همراه با شوق و ذوق فراوان که وجود داشت بنابراین خیلی کارهای بزرگ را می توان بخوبی انجام داد بی آنکه بهمان نسبت پول خرج شده باشد .

کار آموزش و پرورش در مملکت بیشترین و بزرگترین بازده و سودآوری دارد زیرا ارزش افزوده آن انسان است و ارزش افزوده نیروی انسانی بالاترین و رفاهت ناپذیرترین ارزش افزوده های جهانی است .

ما باید در این راه پیش برویم و بیشتر از هر چیز و هر نیرو که فکرش را بکنیم این نیروی عظیم انسانی آموزش و پرورش یافته ایرانی است که خواهد توانست مسائل کشور در حال پیشرفت ما را بگشاید و حل نماید .

هر برنامه و هر طرح آدم می خواهد و اگر نیروی انسانی و آدم مناسب در آن کار نباشد هر قدر قانون یا طرح یا برنامه عالی باشد نخواهد توانست منشاء اثر سودمند و مفیدی باشد و این نقش آموزش و پرورش انسانهاست که برعهده و بسبب اولیت دستگاه آموزشی و پرورش مملکت سپرده شده است ..

۳ - اعلام دستور جلسه آینده و ختم جلسه .

نایب رئیس - وقت این جلسه تمام شده آقای دکتر طبیب بقیه مطالبات را در جلسه بعد بیان بفرمائید با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم می کنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح فردا خواهد بود، دستور دنباله بحث در کلیات لایحه بودجه سال ۳۷ کل کشور است . (جلسه ساعت ۲۴ پایان یافت)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر جواد سعید